

# چکیده پیام‌های سی جزء قرآن کریم

نویسنده:

عمر بن عبدالله بن محمد المقبل

مترجم:

ابو خالد عبدالله محمدی

عنوان کتاب: چکیده پیام‌های سی جزء قرآن کریم  
عنوان اصلی: عمر بن عبدالله بن محمد المقبل  
نویسنده: ابو خالد عبدالله محمدی  
مترجم: موضوع:  
نوبت انتشار: دوم (کاغذی)/(دیجیتال)  
تاریخ انتشار: آبان (عقرب) 1394 شمسی، 1436 هجری  
منبع: سایت عقیده [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

محتوای این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه سایت عقیده نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

أ	فهرست مطالب
1	مقدمه
3	جزء اول
6	جزء دوم
8	جزء سوم
11	جزء چهارم
15	جزء پنجم
18	جزء ششم
21	جزء هفتم
23	جزء هشتم
26	جزء نهم
28	جزء دهم
31	جزء یازدهم
35	جزء دوازدهم

- 37 ..... جزء سیزدهم
- 42 ..... جزء چهاردهم
- 44 ..... جزء پانزدهم
- 47 ..... جزء شانزدهم
- 50 ..... جزء هفدهم
- 52 ..... جزء هجدهم
- 55 ..... جزء نوزدهم
- 58 ..... جزء بیستم
- 60 ..... جزء بیست و یکم
- 63 ..... جزء بیست و دوم
- 66 ..... جزء بیست و سوم
- 68 ..... جزء بیست و چهارم
- 70 ..... جزء بیست و پنجم
- 73 ..... جزء بیست و ششم
- 77 ..... جزء بیست و هفتم
- 82 ..... جزء بیست و هشتم
- 86 ..... جزء بیست و نهم
- 89 ..... جزء سی

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين، أما بعد:

این نوشتار، اشاره‌ای است مختصر و درنگی کوتاه که مشتمل بر موضوعات اصلی سی جزء قرآن کریم می‌باشد. و آن را در دسترس برادران مسلمانم قرار می‌دهم تا همانند فانوس و یا علایمی در راستای فهم موضوعات این جزءها باشد باشد. باشد تا پنجره‌ای رو به تدبّر و اندیشیدن کلام الله ﷻ، زیستن با آن و اصلاح قلب، باز نماید؛ چرا که این مهم، از بزرگترین اهداف نزول قرآن کریم می‌باشد.

و گاه‌آ خواننده‌ی محترم ملاحظه می‌کند که بنا بر اهداف تربیتی یا ایمانی یا به دلیل این که آیات مورد نظر، جزو قواعد قرآنی می‌باشند، یا بنا بر دلایلی دیگر، برخی آیات را بیشتر بررسی می‌کنیم. گر چه این رویکرد، با هدف اصلی که بررسی موضوعی، آن هم به صورت مختصر است، در تضاد می‌باشد.

و این را هم خوب می‌دانم که عرضی مطالب به صورت مختصر، حتی اگر در مورد کلام انسان‌های بلیغ باشد، سخت است، چه برسد به کلام آفریدگار بشر که هیچ چیز همتای او نیست. بلکه برتری کلامش بر کلام

---

---

مخلوقاتش همانند برتری خود او تعالی بر مخلوقاتش می‌باشد.

عمر بن عبدالله بن محمد المقبل

شعبان / 1434 هـ

بازنگری و افزودن بر مطالب، شعبان /

1437 هـ

## جزء اول

1- سوره‌ی فاتحه که بزرگ‌ترین سوره‌ی موجود در قرآن کریم است و با آن کتاب الله ﷻ آغاز می‌گردد، بر چند

مورد تمرکز می‌کند؛ این موارد عبارت‌اند از:  
- تعریف و تمجید الله ﷻ که نیمه‌ی اول این سوره را

در بر می‌گیرد.

- خالص نمودن عبادت و یاری طلبیدن از الله ﷻ.

- بیان حقیقتِ هدایت و گروه‌های محروم از هدایت.

2- سزاوار است کسی که سوره‌ی فاتحه را در هر شبانه

روز هفده بار می‌خواند یا می‌شنود، دورترین مردم از

تشابه به کفار باشد. چرا که شایسته نیست مرد و زن

مؤمنی این آیات را بخواند و سپس خود را به کسانی

تشبیه نماید که از روش آنان به الله ﷻ پناه آورده است:

﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۖ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ

عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۗ﴾ [الفاتحة: 6-7].

یعنی: «ما را به راه راست هدایت کن. راه آنان که بر ایشان

انعام کردی نه (راه) آنان که بر ایشان غضب نمودی و نه (راه)

گمراهان».

3- سوره‌ی بقره بلندترین سوره‌ی قرآن بوده و فضایل

زیادی در مورد آن ذکر شده است. از بزرگترین اهدافی

که این سوره بر آن متمرکز است، می‌توان این موارد را

نام برد: تربیت دل مؤمنان بر پذیرش دستورات و نواهی الله ﷻ هر چند هم که زیاد باشد. و پرهیز از تشابه و همگونی با یهود که در امتحان (ذبح گاو) شکست خوردند. اما هنگامی که این سوره با تکالیف زیاد خود نازل گردید، صحابه رضی الله عنهم از امتحان سرفراز بیرون شدند. الله ﷻ در آخر سوره ی بقره آنان را چنین می‌ستاید: ﴿ءَأَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ...﴾ [البقرة: 285].

یعنی: «پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شد ایمان آورد، و مؤمنان...».

4- ابتدای سوره ی بقره در برگزیده دیدگاه مؤمنان، کفار و منافقین در قبال رسول ﷺ و رسالت وی می-باشد. در مورد منافقین سخن را به درازا می‌کشاند؛ زیرا که خطرشان بر امت اسلامی زیاد و سیاست‌شان پوشیده است و در میان مؤمنین و کفار سرگشته هستند.

5- بحث مفصل در مورد داستان آدم و همسرش ﷺ

و جانشینی او در زمین. از نظر ترتیب، این اولین داستانی است که در قرآن کریم آغاز می‌گردد. این داستان، پیام زود هنگامی است به انسان مؤمن در شناساندن دشمن بزرگی که عداوتش با انسان به قدمت و درازای تاریخ ابوالبشر آدم ﷺ است.

6- آغاز سخن در مورد بنی اسرائیل و یهودیان به صورت خاص است؛ و به بیان دیدگاه آنان در مورد قرآن و عموم پیامبران بالأخص پیامبرمان محمد ﷺ می‌پردازد.



7- در این سوره بحثی مفصّل در مورد داستان گاو می‌خوانیم. این داستان پیامی است برای این امت که خلاصه‌اش بدین مضمون است:

پرهیز از شک و دو دلی در پذیرش احکام الهی. چرا که این کار باعث سنگدلی می‌گردد. شایسته انسان مؤمن است که فوراً تسلیم اوامر الله ﷻ گردد. و به همین منظور، چنان‌که پیشتر گذشت، الله ﷻ در پایان این سوره مؤمنان را می‌ستاید.

8- سخنی مفصل از رسوایی‌های یهود در قبال پیامبران الهی و فرشتگان ارجمند.

9- این‌که ممانعت از ذکر و یاد الهی در مساجد و تلاش در راستای تخریب آن، از رسوایی‌های نصارا است. ننگ باد بر کسی که خود را به آنان تشبیه کند.

10- ذکر بنای مسجد الحرام و کسی که آن را بنا نمود و این‌که چگونه ساخته شد.

11- ظالمان به امامت در دین نمی‌رسد: ﴿قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: 124]. یعنی: «فرمود: پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.»

12- تربیت فرزندان و وصیت آنان به خیر و نیکی، حد و مرزی ندارد. بلکه تا لحظه‌ی جان‌دادن، مستمرّ و جاریست: ﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهَا وَجِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: 133].

یعنی: «آیا وقتی که مرگ یعقوب فرا رسید، حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: (پس از من چه را خواهید پرستید؟) گفتند: معبود تو، و معبود پدرانت، ابراهیم و

اسماعیل و اسحاق، معبودی یگانه را می‌پرستیم؛ و برایش تسلیم هستیم».

13- ﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا

كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤١﴾ [البقرة: 141]. یعنی: «آن جماعت را روزگار

سپری شد؛ برای ایشان است آنچه به دست آورده‌اند؛ و برای شماست آنچه به دست آورده‌اند؛ و از آنچه آنان می‌کرده‌اند،

شما باز خواست نخواهید شد»

این فرموده‌ی الله ﷻ ردّی بسیار روشن است بر آنان که

بر نسب نیک، می‌بالند و به آن استناد می‌کنند. چنین

نسبی، هیچ باری از دوش انسان بر نمی‌دارد؛ حتی اگر به

ابراهیم خلیل عليه السلام یا به محمد صلى الله عليه وآله هم متصل باشد. بلکه

عملی را که انجام داده‌ای، معیار خواهد بود:

## جزء دوم

1- در این جزء، از یهود و خرده‌گیری آنان در تغییر قبله

و ردّ بر آن‌ها و نیز از فضیلت امت رسول صلى الله عليه وآله و این‌که

بهترین امت است، سخن به میان می‌آید.

2- توجّه به تزکیه‌ی روح و روان، مقدّم بر روی آوردن به

این سو و آن سو است. البته هر دو مورد مهمّ است.

3- بسیار واضح به صبر و راه‌های دستن یافتن به آن و

نتایجش وصیت و ارشاد می‌نماید. تمام این موارد را در

آیاتی بسیار با عظمت ولی کوتاه می‌یابیم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ١٥٣ وَلَا تَقُولُوا

لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتٌ ۚ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِن لَّا تَشْعُرُونَ ١٥٤ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ

بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالنَّمْرِ ۗ وَبَشِيرٍ

الصَّابِرِينَ ۱۵۵ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۱۵۶  
 وَأُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿۱۵۷﴾  
 [البقرة: 153-157].

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از شکیبایی و نماز یاری بجوید که قطعاً الله با صابران است. و کسانی را که در راه الله کشته می‌شوند مرده نخوانید. بلکه آنان زنده‌اند ولی شما نمی‌دانید. و البته شما را با چیزهایی از قبیل ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها می‌آزماییم و مزده بده صابران را! آن کسانی که چون مصیبتی به آنها برسد گویند: ما از آن الله هستیم و به سوی او باز می‌گردیم. آنان درود و رحمت پروردگارشان شامل حالشان است و ایشان‌اند هدایت شوندگان».

- 4- فرض شدن روزه و بسیاری از احکام مربوط به آن، به تفصیل بیان شده است و این تنها جایی است که قرآن کریم از روزه سخن می‌گوید؛ پس خوب دقت کن!
- 5- این سوره بعضی از احکام حج را بیان می‌دارد و در اینجا بر خلاف سوره‌ی حج که تمرکزش بر اعمال قلبی و ایمانیست، بر احکام عملی، تمرکز نموده است.
- 6- در این جزء به صورت گسترده بسیاری از احکام خانواده از قبیل نکاح، طلاق، شیر دادن نوزاد و ارتباط آن با تقوی و مراقبت الله ﷻ بیان می‌شود. و این، پیامی واضح و روشن در توجّه دین اسلام به تمام ابعاد زندگی است. و بر خلاف پندار برخی منافقین که می‌گویند: اسلام فقط به مسایل عبادی می‌پردازد، شریعت بر تمام تصمیمات و تصرفات ما تسلّط کامل دارد.

- 7- تمرکز بر ارتباط احکام خانواده به ایمان به روز قیامت؛ چرا که چنین رویکردی، تأثیر بسزایی در توجّه انسان، به برپا داشتن این احکام دارد.
- 8- در داستان جالوت - که در آخر این جزء ذکر شده است - درس بزرگی در مورد صبر است. و این‌که پیروز شدن بر دشمنان، تنها بسته به کثرت عِدّه و عُدّه نیست.
- 9- همچنین این قصه بیان می‌دارد که دعوتگر باید خود را بر شکیبایی و ثبات تا پایان راه، پرورش دهد. و اینکه در میانه راه دعوت، بسیاری از مردم وی را یاری نمی‌کنند و بدین طریق آزمایش می‌شود.
- 10- در آیه‌ی ماقبل آخر این جزء، قانونی از قوانین کَوْنِي اللّٰهُ ﷻ عرضه می‌شود. و آن این قول اللّٰهُ متعال است: ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [البقرة: 251]. یعنی: «و اگر اللّٰهُ بعضی از مردم را بوسیله‌ی بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌شد، اما اللّٰهُ بر جهانیان بخشش دارد».

## جزء سوم

- 1- بزرگترین آیه! که آیه‌ی الکرسی است، در این جزء قرار دارد. پس راز عظمتش را دریاب. و چه نام‌های زیادی از اللّٰهُ ﷻ که در آن یاد شده است!
- 2- بعد از آیه‌ی الکرسی سه داستان ذکر می‌شود که نیاز به تدبیر و تأمل دارد. داستان ابراهیم علیه السلام و نمرود؛ داستان

آن شخص که از یک آبادی گذر کرد؛ و قصه‌ی ابراهیم علیه السلام با چهار پرنده.

3- تشویق به قرض الحسنه و صدقه دادن. و بیان این- که شیطان به تنگدستی وعده می‌دهد و الله جل جلاله به روزی بسیار زیاد.

4- هشدار نسبت به سودخواری و ربا. و توضیح این‌که این عمل، یعنی اعلان جنگ با الله جل جلاله و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

5- آیه‌ی قرض و معامله‌ی نسیه که نشانگر توجه اسلام به مسایل اقتصادی است.

6- در ابتدای سوره‌ی (آل عمران) می‌گوید: قرآن جدا کننده‌ی میان حق و باطل است. و این‌که هرگز الله جل جلاله جز دین اسلام را از هیچ کس قبول نمی‌کند.

7- داستان مادر مریم علیها السلام دلیلی بر اثر نیت پاک در اصلاح فرزند است و این‌که الله جل جلاله آن فرزند را محافظت خواهد نمود.

8- و نیز داستان مادر مریم علیها السلام نمونه و الگویی است بر همت والا در طلب فرزند. چرا که او از الله جل جلاله خواسته بود تا فرزندش را خادم بیت المقدس نماید. و تو ای انسان متاهل! آیا تا کنون به ذهنت خطور کرده است که آرزوی تولد فرزندی را داشته باشی که خدمتگذاران دین الله جل جلاله گردند.

9- بیان این‌که دین موسی، عیسی و محمد علیهم الصلاة والسلام بر توحید الله و نفی شرک می‌باشد. لذا هر کس با آنان همکار و شریکی قرار دهد، در حقیقت از آن‌ها پیروی نکرده است.

10- درسی در نقد و بررسی جوامع؛ و این که تعمیم انتقاد به کل افراد جامعه خطاست؛ حتی اگر با دشمنی باشد. در این آیه تأمل کن: ﴿وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بدينارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾﴾ [آل عمران: 75].

یعنی: «و در میان اهل کتاب کسانی هستند که اگر به طور امانت مال فراوانی به آن‌ها بسپاری، آن را به تو برمی‌گردانند، و هستند کسانی که اگر دیناری به طور امانت به آن‌ها بسپاری آن را به تو باز پس نمی‌دهند، مگر اینکه همواره بالای سر او ایستاده باشی، این بدان جهت است که آن‌ها گفتند: ما در برابر اُمیین و بی‌سوادان مسئول نیستیم، و بر الله دروغ می‌بندند، حال آنکه خود می‌دانند».

و می‌فرماید: ﴿لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ ءَانَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿١١٣﴾﴾ [آل عمران: 113]. یعنی: «آنان همه یکسان نیستند، از اهل کتاب گروهی پابرجا هستند و در ساعاتی از شب به نماز ایستاده و آیات الله را می‌خوانند».

11- معنای (ربانیّت) فقط در سوره‌ی آل عمران ذکر شده است. و ربانیّت ویژگی علمایی است که قبل از آموزش مسایل بزرگ علمی به مردم، مسایل کوچک و ساده را به آنان می‌آموزند. و در تعلیم شریعت به بندگان الله ﷻ صبور و شکیبایند. الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّيْنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾ [آل عمران: 79]. یعنی: «به سبب آنکه کتاب (آسمانی) تعلیم می‌دادید و از آن رو که درس می‌خواندید، خداپرست باشید».

## جزء چهارم

1- به اولین خانه‌ای که برای انسان‌ها در زمین (برای طواف) نهاده شد، اشاره دارد. و این یکی از دلایل فرض بودن حج است.

2- چنگ زدن به ریسمان الله ﷻ و تجمع و همبستگی برآن و عدم تفرقه و از هم‌پاشیدگی، بزرگترین اسباب قدرت و توانمندی است.

3- ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْأَكْتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِمَّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران: ۱۱۰). یعنی: «شما بهترین

امتی هستید که برای (سود) مردم آفریده شده‌اید؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به الله ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند بر ایشان بهتر بود؛ تعداد کمی از آن‌ها با ایمان هستند و بیشترشان فاسق‌اند»، در آیه‌ای که گذشت، و نیز آیات ماقبل و ما بعد این آیه، دلالتی واضح بر جایگاه امر به معروف و نهی از منکر دارد. چرا که الله ﷻ آن را بر ایمان، مقدم نموده است. تا دلالتی باشد بر این‌که امر به معروف و نهی از منکر، از ویژگی‌های این امت است. هم‌چنین این جریان، از بزرگترین پیامدهای ایمان و حفاظت از شاخه‌های دین است.

4- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (آل عمران: ۱۱۸). یعنی: «ای

کسانی که ایمان آورده‌اید! از غیر خود محرم اسرار برنگیرید، (آنان) از رساندن هر گونه زیان و بدی به شما کوتاهی نمی-

ورزند، دوست دارند که شما گرفتار رنج و مشقت شوید، دشمنانگی از دهان آنان آشکار است و آنچه در دل پنهان دارند بزرگتر است؛ به راستی که آیات را برای شما بیان نمودیم اگر بیاندیشید»، این آیه و آیات بعد از آن هشدار و تذکری زود هنگام، در مورد جدی بودن خطرِ محرم‌های غیر خودی، بر رهبران امت است.

5- ﴿وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [آل عمران: 121]. یعنی: «و به یاد آور هنگامی را که سحرگاهان از میان خانواده‌ات بیرون رفتی و جای مؤمنان را برای جنگ مشخص نمودی، و الله شنوا و داناست». آیه‌ی فوق به بعد، شرح مفصلی از غزوه‌ی احد است. لازم است در این آیات و موضوعاتی که سوره بر آن متمرکز است، خوب تدبّر کنی. از آن جمله: سخن در مورد اثر گناهان بر خواری و ضعف امت اسلامی است. که ربا و سودخواری و چسبیدن به دنیا از شدیدترین آن‌ها می‌باشد.

6- بیان گوشه‌ای از صفات بندگان پرهیزگار الله ﷻ که از آیه‌ی 133 تا 138 سوره‌ی آل عمران، ادامه دارد. خوب به آن‌ها توجه کن و سعی کن در زمره‌ی آنان باشی. ﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران: 133]. یعنی: «و بشتابید به سوی آمرزش و عفو پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن (به اندازه‌ی) آسمان‌ها و زمین است (و) برای پرهیزگاران آماده شده است»، تا ﴿هُذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران: 138]. یعنی: «این (قرآن) بیانی است برای مردم، و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران».



7- ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل

عمران: 139]. یعنی: «و اگر مؤمن هستید، سست و ضعیف نشوید، و غمگین نگردید، که شما برتر هستید». این آیه نص صریحی است بر نهی از سستی و اندوه؛ مادامی که مؤمن و پیرو پیامبرتان ﷺ باشید. و این که اصلاً شایسته نیست مشکلات و سختی‌هایی که فراروی شماست، باعث ضعف و خواری شما گردد.

8- توضیحی پیرامون برخی از تناقضات یهود.

9- برون رفت‌های تربیت ربّانی را نظاره کن: ﴿وَكَايِنَ مِّنْ نَّبِيِّ قَتَلَ مَعَهُ رِيبُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهِنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ [آل عمران: 146]. یعنی: «و

چه بسیار پیامبرانی بوده‌اند که همراه آنان مردان خدایی زیادی پیکار کرده‌اند، و به سبب چیزی که به آنان در راه الله می‌رسید سست و ناتوان نشدند، و زبون نگشتند، و الله بردباران را دوست دارد». این جریان درسی است برای جوان احساساتی و غیور؛ زیرا جهاد فقط بعد از تربیت به دست علمای ربّانی، مفهوم و ارزش پیدا می‌کند.

10- ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي

الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: 190]. یعنی: «به راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز برای خردمندان نشانه‌هاست»، آیات پایانی سوره‌ی آل عمران از آیه‌ی فوق تا پایان سوره، بار ارزشی فراوانی دارد. و رسول الله ﷺ هنگام بیدار شدن از خواب، آن‌ها را تلاوت می‌نمود. به مفاهیم این آیات خوب بیندیش.

11- ابتدای سوره‌ی نساء از جزء چهارم شروع می‌شود.

این سوره بسیار بر حقوق ضعفا و ناتوانان از قبیل ایتام،

زنان و مستضعفان که قادر به مهاجرت نیستند، متمرکز شده است.

12- بنا بر درگیری‌هایی که به سبب اموال و دارایی میان خانواده رخ می‌دهد، تقسیم میراث را خودِ الله ﷻ بر عهده گرفته است.

13- پرداخت میراث زن، و نزول این آیاتِ مفصل، آن‌هم در زمانی که حق زن از میراث غصب می‌شد، مثالی است از مثال‌های فراوان، که شریعتِ پاک اسلام به حقوق زن عنایت خاصی دارد.

14- بیان حرمت ازدواج با هفت گروه از زنانی که از طریق نسب محرم انسان می‌شوند. ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضْعَةِ وَأُمَّهُتُم مِّنَ الرَّضْعَةِ وَرَبِّبَاتُكُمُ الَّتِي فِي حُجُورِكُم مِّنْ بَنَاتِكُمُ الَّتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ يَكُونُوا بَنَاتِكُم مِّنْ حَرْمِكُمْ فَمَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلِيلُ آبَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أُمَّهَاتِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۚ﴾ [النساء: 23].

یعنی: «مادران‌تان و دختران‌تان و خواهران‌تان و عمه‌های‌تان و خاله‌های‌تان و دختران برادر و دختران خواهر و آن مادران‌تان که شما را شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی‌تان و مادران زنان‌تان و آن دختران همسران‌تان که در کنار شما پرورش یافته‌اند، از آن زنان‌تان که با آن‌ها آمیزش جنسی کرده‌اید- و اگر با آنها آمیزش جنسی نکرده باشید، گناهی بر شما نیست- و همسران آن پسران‌تان که از صلب (پشت و نسب) خودتان هستند و آنکه بین دو خواهر جمع کنید، بر شما حرام گردیده است. مگر آنچه گذشته است، که الله آمرزنده مهربان است». سپس در ادامه، سخن از محارمی می‌آید که از طریق رضاعت یا شیرخوارگی و ازدواج، محرم می‌گردند.

## جزء پنجم

1- در این جزء از ارتباطات خانوادگی، خصوصاً مسایل همسررداری و حلّ اختلافات در هنگام بروز، و بیان اصل (صلح) سخن به میان می‌آید.

2- در آیه‌ای که خواهیم آورد ده حق، بررسی می‌شود. وضعیت خود را با آن مقایسه کن و ببین که آیا آن را برآورده نموده‌ای! ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْأَرْحَامِ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ۝۳۶﴾ [النساء: 36]. یعنی: «و الله را عبادت کنید، و با او چیزی را شریک قرار ندهید، و با پدر و مادر نیکی نمایید، و با خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و بیچارگان و همسایه‌ی خویشاوند و همسایه‌ی بیگانه و همراه و مسافر و کنیزان و غلامان نیز نیکی کنید؛ همانا الله کسی را که خودپسند و خودستا باشد دوست ندارد».

3- رسول الله ﷺ این آیه را شنید و گریست! آیا می‌دانی علت گریه‌اش چه بود؟ ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ۝۴۱﴾ [النساء: 41] یعنی: «چگونه خواهد بود آنگاه که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را به عنوان گواه بر آنان بیاوریم؟».

4- در این جزء برخی از مواقف یهود پیرامون وارونه جلوه دادن حقایق و دروغ و حسادت آنان بیان می‌شود. این وضعیت را با آنچه امروز رخ می‌دهد، مقایسه کن!

5- ﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾ [النساء: 32] یعنی: «و آرزوی چیزی را نکنید که الله برخی از شما را با آن بر

برخی دیگر برتری داده است». گروهی از علما می‌گویند: وقتی این آیه از مجرد آرزو و تمنای دل باز می‌دارد، وضعیت کسی که منکر تفاوت شرعی میان مرد و زن است و فریاد کنار گذاشتن این قانون را سر می‌دهد و خواهان تساوی است، چیست؟ او که به اسم حقوق مساوی مرد و زن، به این اندیشه فرا می‌خواند!

6- در این آیهی کریم از ادای امانت به صاحبش و مراعات عدالت در داوری میان مردم، سخن رانده می‌شود: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝۵۸﴾ [النساء: 58].

یعنی: «همانا الله شما را فرمان می‌دهد تا امانت‌ها را به صاحبان‌شان برسانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید دادگرانه داوری کنید، بدون شک الله شما را به بهترین اندرز پند می‌دهد، قطعاً الله شنوا و بینا است».

پس به امانت تربیت فرزندان، امانت اموال و دارایی، و به جانی که در کالبد توست، نگاهی بینداز! در داوری خود بر مردم نظاره کن! خواه در منصب قضاوت باشی یا داوری میان دو نفر؛ یا حکم کننده بر اقوال دیگران؛ حتی اگر طرف مقابل تو، از دگرانیشان باشد. عدل و دادگری همان است که الله ﷻ از ما می‌خواهد.

7- دستور به فرمان‌برداری از الله و رسول او و والیان امر. و بیان این‌که در هنگام اختلاف، بازگشت و محل رجوع، قرآن و سنت است.

8- از صفات منافقین، ارجاع حکم و قضاوت، به سوی غیر شرع الله ﷻ است. بلکه از ارجاع به شریعت الله ﷻ به جد باز می‌دارند.

9- وجوب کُرنش و تسلیم در برابر حکم الله ﷻ و رسول

ﷺ.

10- این سوره با جدیت کامل عمل آنان که بدون تدبیر، اندیشه و عمل، قرآن را تلاوت می‌کنند، انکار می‌کند. الله ﷻ می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ [النساء: 82]. یعنی: «آیا در قرآن نمی‌اندیشند! و اگر از جانب غیر الله بود، در آن اختلاف زیادی می‌یافتند».

11- دستور به هوشیار بودن در قبال دشمن و تشویق به خروج فی سبیل الله در صورت لزوم و عدم وجود موانع.

12- نیم‌نگاه و اشاره‌ای به خطر شیطان و حرص و طمع او در اغواء و فریب دادن ما.

13- خطیر بودن قتل ناحق انسان مؤمن و وعید بسیار سخت در این باره!

14- بیان پاره‌ای از احکام کوتاه خواندن نماز در مسافرت، و ذکر روشی از روش‌های نماز خوف (ترس).

15- در ربع (یک چهارم) آخر سوره، بحث مفصلی پیرامون برخی از احکام معاشرت و تعامل میان همسران از قبیل نافرمانی، عدل و داد، جدایی، با در نظر داشتن مراقبت الهی ارائه می‌شود. پس خوب بیندیش!

16- اسلام نظام خانواده را مقرر و تنظیم و مسئولیت‌ها را تقسیم می‌کند. بحث سرپرستی و قیمومیت در سوره‌ی

نساء که به حقوق زن اهتمام می‌ورزد، ذکر شده است. پس مگر می‌شود که سرپرستی علیه زن باشد؟! 17- باز دوباره بحث پیرامون منافقین و دوستی آنان با دشمنان الله ﷺ و تنبلی در عبادات، تکرار می‌شود. و سرانجام کار آن‌ها در قیامت هم ذکر می‌شود. پس بر ماست که از روش آنان دوری گزینیم و هوشیار باشیم.

### جزء ششم

- 1- بحث اهل کتاب و گفتار آنان به موسی و دیدگاه آن‌ها در مورد مریم و عیسی ﷺ مطرح می‌شود.
- 2- این سوره، بنا بر خطری که غلو و افراط علیه دین دارد، هر چند هم که در پوشش دین ظاهر گردد، نسبت به آن تذکر می‌دهد.
- 3- قسمت اعظم سوره‌ی مائده در این جزء آمده است. و نزول این سوره در لیست آخرین سوره‌های دوران مدنی است. این سوره به بحث در مورد عهد و پیمان با خویشاوندان و بیگانگان، بلکه حتی با کفار، عنایتی خاص نموده است. تا فرد مؤمن بر حفظ و نگهداری این اصل بزرگ، تربیت گردد. ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ [المائدة: 1] یعنی: «به عهد و پیمان‌ها وفا کنید».
- 4- این سوره متضمن هجده حکم است که در سوره‌های دیگر یافت نمی‌شود. و در آن هیچ حکم منسوخ وجود ندارد. سعی کن این احکام یا برخی از آن‌ها را بیاموزی.

- 5- بحثی مفصل در مورد بعضی از خوراکی‌های حرام و بیان برخی از حلال‌ها را آغاز می‌کند.
- 6- آیه‌ی وضو و ذکر بعضی از موجبات وضو و غسل هم در این سوره (مائده) آمده است.
- 7- خالصانه و برای الله ﷻ گواهی دادن؛ و امر به عدل و داد، حتی با دشمنانی که به آنان بغض داریم. دادگری و عدالت با همگان یک واجب شرعی است.
- 8- شناختن روش ارتباط اهل کتاب با پروردگارشان و پیامبران‌شان، امر مهمی در روش تعامل با آنان خواهد بود.
- 9- داستان فراخوان موسی ﷺ برای ورود به سرزمین مقدس و بیان ارزش دعوت به حق و کوشش و تلاش در این راستا. همچنین مبادرت ورزیدن به هدایت مردم به سوی کار خیر. و نیز اثر صدق و توکل بر الله ﷻ در نجات یافتن و پیروزی.
- 10- سخن از خطیر بودن قتلِ ناحق، و زشت و ناپسند بودن فساد و فسادکاری و فضل زنده داشتنِ حسی و معنوی انسان‌ها.
- 11- ذکر نزول کتاب‌های آسمانی از جانب الله ﷻ، و توضیح مفصّل حکم کسی که بر اساس کتاب آسمانی، حکم نمی‌کند.
- 12- تحریم دوستی و موالات با یهود و نصارا، و خطیر بودن سکوت علما در مقابل تخلفات شرعی.
- 13- تکذیب و ابطال شبهه‌ی نصارا در مورد عیسی ﷺ و عرضه‌ی توبه بر آنان بعد از این جریان؛ پاک و منزّه است پروردگار بسیار مهربان!.





## جزء هفتم

- 1- این جزء با سخن گفتن از نزدیکترین و دورترین اهل کتاب نسبت به ما، شروع می‌شود.
- 2- بیان پاره‌ای از احکام فقهی. از جمله: ذکر کفاره‌ی سوگند، حرمتِ شراب و قمار بازی، حرمتِ شکار برای مُحرم و بیان جزای آن، وصیت هنگام مرگ، بیان گواهان و حکم این‌که اگر شاهد‌های مسلمان یافت نشدند.
- 3- گفتگوی بین عیسی علیه السلام و حواریین و بیان لغزش و سؤال‌پیچ کردن آن‌ها در مورد آیه‌ای که آنان را به سوی ایمان فرا می‌خواند. و این جریان شاهی است بر فضیلت و بزرگواری صحابه رضی الله عنهم که به سبب امتثال امر سریع و دوری از منهیّات، از دیگران متمایز شدند. بر خلاف پیروان دیگر پیامبران؛ چنان‌که در این داستان و داستان سوره‌ی بقره شاهد آن هستیم.
- 4- داستان گفتگوی عیسی علیه السلام اهمیت صبر و شکیبایی عالم و داعی را در قبال سوال‌های طرح شده از جانب پیروانش، بیان می‌دارد؛ چرا که او با وجود تلاش و کوشش فراوان، با سؤال‌هایی از سوی پیروانش روبرو می‌شود که مایه‌ی اعجاب است.
- 5- بیان گفتگویی که میان عیسی علیه السلام و الله صورت گرفت و نیز بیان بی‌گناهی و براءت عیسی علیه السلام در ادعای الوهیت. لذا جای بسی شگفت است که چگونه نصارا ادعای الوهیت برای این پیامبر علیه السلام را دارند، حال آن‌که وی از این کار اعلان براءت نموده است؟!

6- ابتدا و پیش درآمدِ سوره‌ی انعام در اثباتِ توحید، برانگیخته‌شدن و نبوت است. پایان سوره نیز همین‌گونه است: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝۱۶۲ لَا شَرِيكَ لَهُ ۚ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ۝۱۶۳ قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ وَجْهَ رَبِّكَ وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝۱۶۴﴾ [الأنعام: 162-164].

یعنی: «بگو: همانا نماز و قربانی من و زندگی و مرگ من برای الله، پروردگار جهانیان است. {162} او را هیچ شریکی نیست و به این فرمان داده شده‌ام و من اولین مسلمان هستم. {163} بگو: آیا جز الله پروردگاری بجویم؟ حال آنکه او پروردگار هر چیزی است؟! و هر انسانی که عمل بدی را انجام دهد، عذابش فقط برای خودش است، و هیچ کس بار گناه کسی دیگر را به دوش نمی‌کشد، سپس بازگشت همه‌ی شما به سوی پروردگارتان است، و او شما را به آنچه در آن اختلاف می‌کردید، آگاه می‌سازد. {164}».

7- بنا بر گفتگوی عقیدتی که اثبات می‌کند عبادت فقط شایسته و سزاوار الله ﷻ است نه کسی دیگر، پیوند بسیار آشکاری میان ابتدای سوره‌ی انعام و انتهای سوره‌ی مائده وجود دارد.

8- پند و نصیحت به آنان که از آیات الهی روی‌گردانند و دین حق را تکذیب می‌کنند. و نیز تهدید آنان به بلایی که بر سر امت‌های پیشین و قبل از آنها آمده بود.

9- مناظره‌ی ابراهیم علیه السلام با قومش از مهم‌ترین مناظرات در راستای اثبات عقیده با دلایل حسی و عقلی است.

10- اصل قرار دادن ایمان در نگرش به مخلوقات و کائنات، اجلال و بزرگداشتِ الله ﷻ را به ارمغان دارد.

## جزء هشتم

1- بیان برخی احکام فقهی که مرتبط با عقیده است. و بارزترین آن: ذکر نام الله ﷻ بر ذبیحه و حرمت آنچه نام الله متعال در هنگام ذبح بر آن گرفته نشود. چه برسد به این که نام معبودان باطل مشرکین گرفته شود.

2- دلبستگی به الله ﷻ در هدایت و گمراهی باعث می‌شود به پروردگار پناه آوریم تا به ما شرح صدر یا سینه‌ای گشوده دهد.

3- توضیح برخی از عبادات که شیطان آن را زیبا جلوه می‌دهد: ﴿وَكَذَلِكَ زَيْنٌ﴾ [الأنعام: 137]. یعنی: «و این گونه زیبا جلوه داد» و مشرکین دروغ‌پرداز آن را به سرعت فراگرفتند: ﴿فَدَرَّهُمْ وَمَا يَفْقَرُونَ﴾ [الأنعام: 137] یعنی: «پس آنان را با دروغ‌هایی که می‌بافند رها کن». سپس شروع بر ردّ آنان و دروغ‌هایشان می‌کند.

4- پایان سوره‌ی انعام، ده وصیت متنوع را در بر دارد که سزاوار است بعد از فهم و تدبیر آن‌ها، به آن عمل نموده و فرزندان مان را بر آن تربیت نماییم.

5- ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝۱۶۲﴾ [الأنعام: 162].

یعنی: «بگو: همانا نماز و قربانی من و زندگی و مرگ من برای الله، پروردگار جهانیان است». این آیه برنامه و رویکرد

زندگی مسلمان را ترسیم می‌کند؛ زیرا در زندگی و مرگش، جز برای الله ﷻ وقتی وجود ندارد. بار الاها ما را در زمره‌ی این گروه قرار بده!

6- سوره‌ی اعراف با گفتگویی طولانی میان شیطان و آفریدگارش و این‌که چگونه پدرمان آدم عَلَيْهِ السَّلَام را گمراه کرد، آغاز می‌شود. و نیز این‌که چقدر شیفته‌ی کشف عورت آدم و حوا عَلَيْهِمَا السَّلَام بود. پس آیا از روش‌های اغواء و فریب شیطان علیه خودمان درس عبرت می‌گیریم؟ و آیا می‌دانیم تلاش او در کشف عورت‌ها، از کوتاه‌ترین راه‌هایی است که در گمراه کردن ما به کار می‌گیرد؟

7- ﴿ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ۱۷﴾ [الأعراف: 17]. یعنی: «سپس از جلو و از پشت سرشان و از جانب راست و چپ آن‌ها می‌آیم و بیشترشان را سپاسگزار نخواهی یافت». این آیه بیان مختصری در مورد نقشه و برنامه‌ی ابلیس در این دنیا است؛ لذا باید مواظب باشیم که مبدا قربانی یا طعمه‌ی او گردیم.

8- بعد از ذکر داستان آدم عَلَيْهِ السَّلَام با شیطان، الله عَلَّامُ السَّمْعَاتِ ما را چهار بار این‌گونه ندا می‌دهد: ﴿يٰٓأَيُّهَا آدَمُ﴾ یعنی: «ای فرزندان آدم». آیا پند گیرنده‌ای هست؟

9- ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۖ وَالْإِثْمَ وَالْآثَمَ ۚ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطٰنًا ۚ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۳۳﴾ [الأعراف: 33].

یعنی: «بگو: پروردگرم فقط زشتکاری‌ها را چه آشکار باشد و چه پنهان، و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است، و (نیز)

اینکه چیزی را شریک الله سازید که دلیلی بر آن نازل نکرده است و اینکه چیزی را به الله نسبت دهید که نمی‌دانید». برخی از علما می‌گویند: این آیه، اصول محرمات شریعت‌ها را در خود جمع نموده است.

10- گفتگوهای متنوع بین بهشتیان و دوزخیان و اهل اعراف. سعی کن خودت را با یکی از این گروه‌ها، تخیل کنی.

11- در داستان اعراف، صحنه‌ای تأثیر بخش از مظاهر رحمت الهی به بندگانش است.

12- وقتی در توصیف دشمنان پیامبران علیه پیامبران علیهم‌السلام چنین می‌خوانی: ﴿إِنَّا لَنَرِيكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۖ﴾ [الأعراف:

60] یعنی: «قطعاً تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم»، یا می‌خوانی: ﴿إِنَّا لَنَرِيكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكٰذِبِينَ ۖ﴾

[الأعراف: 66] یعنی: «همانا ما تو را ابله و بی‌خرد می‌بینیم، و تو را از دروغگویان می‌پنداریم»، در خواهی یافت که روش این گونه از دشمنان، متهم کردن و ابله خواندن بوده است. گرچه این تهمت‌ها و نادان خواندن‌ها حقیقت هم نداشته باشد! پس معیار ضلالت، نادانی و کوتاه‌نگری چیست؟

13- این جزء با پنج داستان از داستان‌های انبیاء خاتمه می‌یابد. لذا باید در اسبابِ هلاکت تکذیب‌گران اندیشه نمود و از آن بر حذر بود!

## جزء نهم

1- داستان موسی عليه السلام بزرگترین داستانی است که در این سوره ذکر شده است. و سبب آن ارتباطی است که با یهود و مکر آنان دارد. و نیز به دلیل وجود علما و عموم انسان‌هایی که در امت ما به یهودیان شبیه‌اند. و از آنجا که میان امت اسلامی و بنی اسرائیل تشابه زیادی وجود دارد، می‌خواهد به رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم تسلی و آرامش خاطر دهد.

2- مشکلات و سختی‌های موسی عليه السلام با فرعون بسیار بزرگ بود. و هر چه بر شدت آن افزوده می‌شد، بر روی آوردن موسی عليه السلام به پروردگارش که هرگز او را خوار و ناتوان نمی‌کرد، افزوده می‌شد.

3- به این افتخار بزرگ نظاره کن: ﴿وَكُنْتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخَذَهَا بِقُوَّةٍ وَأَمَرَ قَوْمَكَ بِأَخْذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُوْرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ٤٥﴾ [الأعراف: 145]. یعنی: «و در الواح برای او از هر چیزی نوشتیم تا پند و اندرز و روشنگر هر چیز باشد، پس آن را با قدرت و توان بگیر و قومت را دستور بده تا نیکوترین آن را برگزینند». لذا ارزش کتاب نازل شده، برای رفع درجه‌ی بنده در نزد الله کفایت نمی‌کند مگر این‌که، آن را با تمام توان بگیرد و انسان‌ها را به سویش فرا خواند.

4- و چون سختی‌ها شدت یافت، راهکار موسی عليه السلام به قومش این بود که از الله یاری بطلبند و صبوری کنند. و

به آنان گوشزد کرد که زمین از آن الله است و سرانجام از آن متقیان! لذا خوب بیندیش.

5- رحمت الله ﷻ همه چیز را دربر گرفته است. و الله ﷻ فرموده است که آن را برای گروهی خاص از بندگانش مقرر کرده است. ویژگی‌های‌شان را مد نظر بگیر؛ باشد که در لیست آنان قرار گیری.

6- داستان شهری که در ساحل دریا بود. و سرانجام آمران به معروف و ناهیان از منکر و سرانجام اسراف‌کاران و متجاوزین.

7- از داستان آن‌که الله آیات و نشانه‌هایش را به او ارزانی داشت و او از آن‌ها دست کشید، درس عبرت بگیر. و ببین که الله ﷻ بعد از این که به وی مقام والایی داده بود، چگونه او را به نجس‌ترین حیوانات تشبیه نمود.

8- بحث پیرامون ابتدای آفرینش. و ابطال سودرسانی آنان که به جای الله ﷻ مورد پرستش قرار گیرند.

9- آنگاه که صحابه ؓ در مورد غنایم جنگی سوال می-

کنند، به مهم‌ترین مورد گوشزد می‌شوند؛ یعنی تقوی و اصلاح‌گری میان یکدیگر. و جواب سؤال آنان به آیه‌ی 41 موکول می‌شود. به آنان گفته شد: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ...﴾ [الأنفال: 41] یعنی: «و بدانید هر غنیمتی که به دست آورید یک پنجم آن از آن الله و پیامبر و... است».

10- توضیح مفصل در مورد جنگ بدر و چگونگی خروج برای آن. و بیان برخی از مواضع ایمانی که در این جنگ حاصل شد.

## جزء دهم

1- توصیف محل وقوع جنگ بدر و خواب پیامبر ﷺ ادامه می‌یابد. و اینکه چگونه الله ﷻ آن را مایه‌ی آرامش و طمأنینه قرار داد.

2- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ٤٤ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنزَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ٤٦ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ٤٧﴾

[الأنفال: 45-47]. یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه با گروهی روبرو شدید، پایداری نمایید، و الله را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید. {45} و از الله و پیامبرش اطاعت کنید، و با همدیگر اختلاف نورزید، که در آن صورت در مانده و ناتوان می‌شوید، و شکوه و هیبت شما از میان می‌رود. و صبوری کنید که الله با صابرين است. {46} و مانند کسانی مباشید که از روی غرور و سرکشی و برای خودنمایی از سرزمین‌شان بیرون آمدند، و مردمان را از راه الله باز داشتند. و الله به آنچه که می‌کنند احاطه دارد. {47}».

این آیات برای پیروزی و مداومت آن و برای بیان مکر و حيله‌ی شیطان و جلوگیری از آن و به تصویر کشیدن بزدلی منافقین، شش فراخوان دارد که مالمال از پند و خیرخواهی است.

3- پایان سوره‌ی انفال، بیانگر قویترین پیوندی است که مسلمانان را گرد هم می‌آورد. و آن پیوند برادری مشترک برای یاری رساندن به یک پیام و رسالت است؛ نه چیزی دیگر از روابط زمینی.



4- سوره‌ی توبه با مشخص کردن مدت‌زمان عهد و پیمان‌های میان رسول ﷺ و مشرکین، و حالات و جنگ و صلحی که در پی آن می‌آید، آغاز می‌شود. و آن، پیامی بسیار بزرگ در پایبندی اسلام به عهد و پیمان‌هایش با کفار است.

5- در ابتدای سوره‌ی توبه از احکام وفا و پیمان‌شکنی، و بازداشتن مشرکین از ورود به مسجد الحرام و حرمت دوستی با آنان سخن به میان می‌آید.

6- در هنگام توان، جنگ با اهل کتاب؛ تا این‌که با خواری و زبونی جزیه پرداخت کنند. البته برخی از عقاید و باورهای باطل آنان هم ذکر می‌شود.

7- جریان آبادانی مساجد فقط در این سوره ذکر می‌شود. و ارتباط آن با ایمان به الله ﷻ و روز قیامت، اشاره‌ای به ضرورت اخلاص است. و می‌گوید: منافقین سزاوار چنین افتخاری نیستند. چرا که آنان اهلیت و شایستگی آبادانی حسی و معنوی را ندارند.

8- اساس و پایه‌ی تاریخ، بر مبنای ماه‌های هجری است و اصل هم همین است. و همچنین به بیان ماه‌های حرام می‌پردازد و این ماه‌ها عبارت‌اند از: رجب، ذوالقعدة، ذوالحجه و محرم. شمارش سال‌های شرعی هم بر همین مبناست. و ابطال عادت کفار که در مورد ماه‌های حرام مکر و حيله می‌کردند هم، بیان می‌شود.

9- تشویق مسلمانان برای خروج سریع به میادین جهاد؛ البته آن‌هم هر گاه که حاکم مسلمان برای جهاد فی سبیل الله، فراخوان دهد.

10- این سوره در بردارنده نصی صریح مبنی بر مصارف هشت‌گانه زکات است؛ آنجا که الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغُرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٦٠﴾ [التوبة: 60] یعنی: «زکات فقط برای مستمندان، بینوایان، کارگزاران جمع آوری زکات، کسانی که از آنان دلجویی می‌شود، آزادی بردگان، بدهکاران و در راه ماندگان است. این یک فریضه الهی است و الله دانا و حکیم است».

راز و حکمت این کار هم شاید بدین خاطر باشد که در این سوره بحث زیادی از مال و ثروت می‌شود. و منافقین هم منتظرند که مال و منالی به دست آورند. علاوه بر آن از حقوق الله ﷻ در این اموال هم بی‌خبرند. چنانکه رویکرد بسیاری از علما و پارسایان یهود هم همین بوده است. آنان که فقط به منع زکات اکتفا نمی‌کنند بلکه، اموال‌شان را برای بازداشتن راه الله ﷻ هزینه می‌کنند.

11- سرزنش منافقین کاهل و تنبل، و آنان که به دروغ عذر و بهانه آوردند و آنان که بدون عذر موّجه از رفتن به جهاد تخلف ورزیدند.

12- ذکر صفات منافقین و وعید و تهدیدی که الله ﷻ برای‌شان در نظر گرفته است. و نیز یادکردن صفات مؤمنان و آنچه الله ﷻ در آخرت به آنان وعده داده است. به قلب و اعضایت نگاهی بینداز و ببین به کدام گروه نزدیکتر هستی.

13- نهی پیامبر ﷺ در کمک خواستن از منافقین برای جهاد. از آنان جز ضرر و زیان، چیزی نصیب مسلمانان

نمی‌شود. در ادامه از استغفار و درود فرستادن و خواندن نماز جنازه بر آنان هم نهی می‌نماید.

14- ﴿الَّذِينَ يَلْمُزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [التوبة: 79].

یعنی: «آنان که از مؤمنان که مشتاقانه و بیش از اندازه به صدقات و خیرات می‌پردازند، و نیز از آنان که جز به اندازهٔ تاب و توان‌شان چیزی را نمی‌یابند عیب و خرده می‌گیرند، و آنان را مسخره می‌کنند، الله ایشان را مورد تمسخر قرار می‌دهد، و عذابی دردناک دارند».

آیه‌ی فوق، یکی از پست‌ترین اخلاقی منافقین را که عیب و خرده‌گیری به صدقه‌دهندگان است، متذکر می‌شود. خودشان بذل و بخشش نمی‌کردند و خیرین هم از دست‌شان در امان نبودند. لذا مؤمن باید در این زمانه آسوده خاطر باشد. زیرا صحابه‌ی رسول ﷺ که بهترین مردمان بعد از انبیاء بوده‌اند هم از این تمسخر و نیش زبان در امان نماندند.

## جزء یازدهم

1- ادامه‌ی بحث منافقین. سپس ذکر عرب‌های نیک و بد. سپس مهاجرین و انصار. گویا این، عملیات تسویه حساب با تمام اقشار و طبقاتی است که جامعه‌ی مدینه را تشکیل می‌دهند.

2- آیا تا کنون به کلمه‌ی ﴿وَالسَّيِّئُونَ﴾ در این قول الله ﷻ اندیشیده‌ای: ﴿وَالسَّيِّئُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ

اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾ [التوبة: 100].

یعنی: «و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکوکاری از آنان پیروی کردند، و راه ایشان را به خوبی پیمودند، الله از آنان خشنود است، و آنان از او خشنودند، و الله برای شان باغ‌هایی آماده کرده است که از زیر آن رودها روان است که در آنجا همیشه جاودانند، این است کامیابی بزرگ». سپس این آیات را با آیات سوره‌ی واقع‌ه مطابق بده که می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ۱۰ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ۱۱ فِي جَنَّةٍ النَّعِيمِ ۱۲ ثَلَاثَةٌ ۱۳ مِنَ الْأَوَّلِينَ ۱۳ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْأَخْرِيِّينَ ۱۴﴾ [الواقعة: 10-14]. یعنی: «و پیشی گیرندگان که پیشتانزند. {10} اینان مقربان (درگاه الهی) هستند. {11} در باغ‌های پر ناز و نعمت (خواهند بود). {12} گروهی از پیشینیان. {13} و گروه اندکی از پسینیان هستند {14}». حال تلاش کن از آن گروه اندک باشی.

3- ذکر مسجد ضرار و مقصود و نیت بد ساخت آن. به همین منظور الله ﷻ پیامبرش ﷺ را از نماز خواندن در آن نهی فرمود. سپس مسجدی را نام می‌برد که حق‌دارتر به برپایی عبادت در آن است. و در این جریان، تذکر و پندی است بر این‌که ملاک و ارزش عمل به نیت صحیح است نه به مظهر آن.

4- ویژگی آنانی که خویشان را به الله متعال فروختند. و بازداشتن پیامبر ﷺ و مؤمنان از این‌که برای منافقین، طلب آموزش کنند.

5- هنگامی که قلب به آتش معصیت گداخته می‌شود، داستان آن سه نفری را که از جنگ باز مانده و توبه

نمودند، به اهل قرآن متذکر می‌شود. پس آیا شایسته است بدون توجه و تأمل از کنار آن گذشت؟

6- اواخر سوره‌ی توبه در یک تقسیم بندی، از ارتباط مردم با قرآن سخن می‌گوید؛ که شایسته است کمی در آن تفکر شود. تا مبدا از گروه زیانکاران باشی.

7- الله ﷻ در ابتدای سوره‌ی یونس تعدادی از نشانه‌های گونی‌اش را ذکر کرده و برای اثبات وجود و عظمت خویش، مثال‌هایی می‌زند.

8- به مبارزه طلبیدن و تحدی مشرکین با قرآن.

9- بالاترین مقام و درجه‌ی بنده این است که دوست الله ﷻ باشد. لیکن چگونه می‌تواند به دوستی و ولایت

دست یابد؟ ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۖ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۖ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾

[یونس: 62-64]. یعنی: «هان! بی‌گمان دوستان الله بیمی بر آنان نیست و آن‌ها اندوهگین نمی‌شوند. {62} کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده اند. {63} برای آنان در زندگانی دنیا و آخرت بشارت است». پس هر کس ادعای دوستی و ولایت کند در حالی که عاری و تهی از این مشخصات باشد، دوستی‌اش دروغین و توخالی است.

10- بیان قصه‌ی نوح ﷺ و سپس داستان موسی ﷺ

و فرعون. و نمایش و بیان لحظه‌ی غرق شدن فرعون، تا برای افراد بعد از او درس عبرتی باشد. و این‌که ایمان در هنگام سكرات موت به انسان فایده نمی‌بخشد.

11- بیان این‌که الله ﷻ به پیامبرش دستور می‌دهد تا

بر ایمان و دنباله‌روی از وحی و صبر و شکیبایی، ثابت قدم باشد تا دستور الهی در برپایی قیامت صادر گردد.



## جزء دوازدهم

1- ابتدای سوره‌ی هود از عظمت الله ﷻ، وسعت علمی و تعهد روزی دادن وی به مخلوقات، سخن می‌گوید.

2- از عظمت قرآن این است که در مناسبت‌های مختلف تکذیب‌کنندگان را به جنگ می‌طلبد. یک بار از آنان درخواست آوردن همانند قرآن را دارد، باری دیگر ده سوره و در آخر آوردن یک سوره را از آنان می‌طلبد؛ لیکن آنان با وجودی که صاحبان بلاغت و بیان بودند، عاجز ماندند.

3- داستان نوح علیه السلام و گفتگویی که میان او و قومش رد و بدل شد. سپس دستور الله تعالی به وی برای ساختن کشتی، و بیان مفصل حادثه‌ی طوفان. در این داستان درس‌های بس بزرگی وجود دارد که در خور توجه است. داستان نوح علیه السلام در این سوره از همه جای قرآن در سیاقی طولانی‌تر آمده است.

4- گفتمان نوح علیه السلام و فرزندش، بیانگر این مطلب است که حب و دوستی الله تعالی در دل یکتاپرستان از هر چیز دیگری بزرگتر است. در این گفتگو ادب سخن گفتن با خویشاوند کافر مراعات شده است؛ حال چه برسد با مسلمان گناهکار. باشد که الله تعالی هدایتش نماید.

5- از داستان هود علیه السلام می‌آموزیم که دستاورد استغفار، قدرت حسی و معنوی است.

6- قوم هود او را تکذیب نموده و به جن‌زدگی متهم کردند؛ او هم در قبال صبوری و شکیبایی نمود و سرانجام الله ﷻ هم او را نجات داد و رهایی بخشید.

7- این سوره صحنه‌ی نمایش داستان بسیاری از پیامبران و ناملایماتی که در راه دعوت به سوی الله ﷻ چشیدند، می‌باشد. در این سوره شاهد شفقت و مهربانی بسیار زیاد پیامبران برای قوم‌شان هستیم. اما برای معاند و هواپرست هیچ راه چاره و درمانی نیست.

8- در داستان شعیب توجه و اهتمام اسلام به بُعد اقتصادی، و ناظر دانستن الله ﷻ در این مسیر، تجلی می‌کند.

9- اشاره‌ای کوتاه به قصه‌ی موسی ﷺ با فرعون.

10- ترسیم صحنه‌ی هولناک از وقایع قیامت و بیان سرانجام سیه‌روزان و نیک‌بختان.

11- این سوره با دستور به استقامت و پایداری، دعوت و صبر در این مسیر پایان می‌یابد. و این بدین معناست که اگر دعوتگر به آن بی‌توجه باشد، متوقف خواهد شد؛ بلکه قطعاً زیان خواهد کرد.

12- آغاز سوره‌ی یوسف از اهمیت رویا سخن می‌گوید. گرچه آن که خواب می‌بیند، بچه‌ای خردسال باشد. و نیز اهمیت گوش فرا دادن به کودکان.

13- در اوایل سوره به حسادت برادران یوسف و آزمایش شدن و مشقت‌های یوسف به سبب جمال و زیبایی‌اش، اشاره می‌شود. لیکن او صبر کرد و نهایت از آن او شد.



14- گاه دشمنان تو قصد آزار و اذیت، بلکه قصد جان تو را می‌کنند، اما به یاد داشته باش که: ﴿إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۹۰﴾ [یوسف: 90] یعنی: «بی‌گمان هرکس تقوا پیشه کند و بردباری ورزد همانا الله پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند».

15- ذکر داستان کامخواهی زن عزیز مصر و عاملی به نام اخلاص که یوسف را از آن کار بازداشت. تو چه اندازه اخلاص برای مقابله‌ی با شهوات داری؟

16- قصه‌ی یوسف دلالت بر این دارد که اگر دعوت به سوی الله ﷻ در دل جای گرفت، صاحب خود را حتی اگر زندانی هم باشد، از دعوت دادن به سوی الله متوقف نمی‌کند.

## جزء سیزدهم

1- ادامه داستان یوسف عليه السلام و آمدن برادران نزد او و درخواست یوسف از آنها تا برادر پدريشان را با خود بیاورند. به دلیل حکمت‌های زیادی؛ از جمله آزمایشی زیادتر برای یعقوب عليه السلام و رفعت جایگاه او در نزد الله جل جلاله با این آزمایش.

2- یعقوب از فرزندانش که تعدادشان زیاد بود، خواست که از یک دروازه وارد شهر نشوند. سخن یعقوب عليه السلام این مطلب را می‌رساند که پرهیز از اسبابی که باعث چشم‌شدن یا چشم‌زخم می‌گردد، شرعاً مذموم و نکوهیده

نیست. البته به شرطی که در آن افراط و زیاده روی نشود.

3- شرفیاب شدن برادران به نزد یوسف، داستان گم شدن پیمان‌های پادشاه و بیان تدبیر و حیل‌های شرعی یوسف برای گرفتن و نگه داشتن برادر حقیقی‌اش!

4- داستانی گیرا و تأثیرگذار از صبر و شکیبایی یعقوب علیه السلام و گمان نیک وی به الله تعالی. با وجودی که همه چیز پیرامون او تغییر یافته بود، از آن‌جا که به الله تعالی گمان نیک داشت، هرگز از پا در نیامد و استوار ماند که نتیجه‌اش گشایش و برون رفت از این امتحان بود. قتاده رضی الله عنه می‌گوید: هیچ امتحانی بر یعقوب علیه السلام فرود نمی‌آمد مگر این‌که در پی آن، گمان نیکش به الله تعالی هم پدیدار می‌شد.

5- نتیجه و اثر دانش و آگاهی نسبت به الله تعالی و نام‌ها و صفاتش در روبرو شدن با قضا و قدر سخت و دردناک الهی با سلاح حسن‌ظن یا گمان نیکو. ﴿وَأَعْلَمُ مِنْ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: 86]. یعنی: «و از [حکم] الله چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید».

6- یوسف عباداتی که او را به این جایگاه رسانده بود، خالصانه ادا کرده بود. او تقوی و صبر را یاد می‌کند. پس آن‌دو را محقق کن به کامیابی بزرگ نایل خواهی آمد. ﴿إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [یوسف: 90]. یعنی: «در حقیقت هر کس پروا کند و بردباری ورزد، پس الله پاداش نیکوکاران را فرو نمی‌گذارد».

7- یوسف بعد از این صبر و امتحان بزرگ و قدرت یافتن در زمین، شکر و سپاس مداوم، درخواستِ مرگ در حالت اسلام از الله ﷻ، اعتراف به نعمت‌هایش و بزرگداشت پدر و مادر را فراموش نکرد.

8- برادرانی که از یکدیگر بریده‌اند، به عملکردِ یوسف ﷺ با برادرانش نظاره نمی‌کنند؟ و نیز به رویکرد و عملکرد رسول ﷺ در روز فتح مکه با اقوام و خویشاوندانش؟

9- این سوره با ذکر آیات و نشانه‌های گونی الله ﷻ و فرستادن پیامبران پایان می‌یابد. و می‌گوید: این داستان‌ها صرفاً قصه‌هایی گذرا نیستند! بلکه درس عبرت گرفتن از داستان‌های قرآنی را گوشزد می‌کند.

10- سوره‌ی رعد در سه آیه‌ی متوالی که دل را مالامال از هیبت و بزرگی می‌کند، با سخن گفتن از کائنات و دلالت آن بر عظمت الله ﷻ آغاز می‌شود. سپس، وجوب خالص کردن عبادات برای این آفریدگار بزرگ را یاد آور می‌شود. باز دوباره به ذکر آیات و نشانه‌های بزرگ در آفاق و انفس برمی‌گردد.

11- ﴿وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَةٌ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلِ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا﴾ [الرعد: 31]. یعنی: «و اگر قرآنی [فرستاده می‌شد] که کوه‌ها به آن روان یا زمین به آن پاره پاره می‌شد یا مردگان با آن به سخن آورده می‌شدند [ایمان نمی‌آوردند]؛ حقّ این است که [سررشته] کار، از آن الله است.»

چه سخن حیرت‌انگیزی در باب اثر قرآن بر قلب‌هایی که در قرآن تدبیر کرده و با قرآن زندگی می‌کنند.

12- در آیات زیر ده ویژگی ذکر شده است که هر کس مزین به آنها باشد، پاداشش باغ و بهشت‌های پر نعمت است. ﴿۱۹﴾ أَفَمَنْ يَعْلَمُ نَمًّا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ۱۹ الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَتَّقُونَ اللَّهَ ۚ وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ ۚ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ۲۱ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَانْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ۲۲ جَنَّتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ۲۳ ﴿[الرعد: 19-23].

یعنی: «آیا کسی که می‌داند آنچه از [سوی] پروردگارت به تو فرو فرستاده شده حق است، مانند کسی است که او نابیناست؟ فقط خردمندان پند می‌پذیرند. {19} آنان که به پیمان الله وفا می‌کنند و عهد نمی‌شکنند {20} و کسانی که آنچه را الله به پیوسته داشتن آن فرمان داده است، پیوسته می‌دارند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب بیمناکند {21} کسانی که در طلب خشنودی پروردگارشان بردباری کردند و نماز را بر پای داشتند و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم نهان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی دفع می‌کنند، اینانند که سرای آخرت برای آنان است {22} بهشت‌های فناپذیر که به آنجا در آیند و [نیز] هر کس از پدران‌شان و همسران‌شان و فرزندان‌شان که نیکوکارند. و فرشتگان از هر در بر آنان وارد می‌شوند {23}».

13- ابتدای سوره‌ی ابراهیم با داستان موسی و پیامبران الهی به سوی قوم‌شان و چگونگی توکل و شکیبایی آنان در قبال آزار و اذیتی که به آنان رسید و این‌که چگونه پیروز شدند، شروع می‌شود.

14- یاد صحنه‌ای از صحنه‌های هولناک قیامت و این- که چگونه شیطان از پیروان خود برائت می‌جوید! لذا

مواظب باش مبادا شیطان در این دنیا تو را بفریبد؛ چرا که اگر اینجا از او پیروی کردی، پس حتماً در قیامت از تو اعلان برائت و بیزارى می‌کند.

15- ضرب المثل‌هایی برای کلمه‌ی طیبه و کلمه‌ی خبیثه؛ سپس شمارش برخی از نعمت‌های الله ﷻ بر

انسان؛ پس آیا شکرش را به جا آورده‌ایم؟

16- در تشریف فرمایی ابراهیم به مکه داستان‌هایی زیبا و جالب از توکل و بزرگداشتِ الله ﷻ وجود دارد.

17- در خاتمه‌ی سوره‌ی ابراهیم عاقبت ظالمین و مجرمین در روزی که زمین و آسمان‌ها دگرگون می‌شود، ذکر می‌شود. پس وای و هلاکت بر ستمکاران از آن روز بزرگ!.

## جزء چهاردهم

1- سوره‌ی حجر با صحبت پیرامونِ محافظتِ الله ﷻ از قرآن کریم و آرامش دادن به رسول ﷺ، با تعریف از رخدادهایی که بر سر برخی از پیامبران پیشین آمده بود، آغاز می‌شود.

2- توجه به عظمتِ آفرینشِ الله ﷻ در هستی و ذکر برانگیخته شدن از قبرها و دلایل امکان چنین رخدادی.

3- ﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوْسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْرُوثٍ ۚ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرُزُقِينَ ۚ ۲۰ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ ۚ ۲۱ وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لُوفِجٍ فَنُزِّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَزَائِنٍ ۚ﴾ [الحجر: 19-22]

[یعنی: «و زمین را گستراندیم در آنجا کوه‌های [استوار] در انداختیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آنجا رویاندیم {19} و برای شما در آنجا زیستمایه‌ها و کسانی که روزی دهنده آن‌ها نیستید، قرار دادیم {20} و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌هایش به نزد ماست. و آن را جز به اندازه‌ای معین فرود نمی‌آوریم {21} و بادها را بارور کننده [ابرها] فرستادیم، آن‌گاه از آسمان، آبی باراندیم و آن را به شما نوشانیدیم و شما خازن آن نیستید {22}».

این آیات ترس انسان از مسأله رزق و روزی را برطرف و نابود می‌کند. مهم، به کار گرفتن اسباب، با توکل بر الله متعال است.

4- بیان مفصل در مورد آغاز آفرینش انسان و جن و دستور ابلیس به سجده و جواب به جواب ایستادن او در این مورد. و این‌که چگونه به سبب کبر و حسادتش، از

درگاه الهی طرد و رانده شد. همچنین بیان این که او می-کوشد تا گناهان را برای مان زیبا جلوه دهد تا همانند او هلاک شویم؛ پس باید خوب آگاه و بیدار باشیم.

5- وقتی مؤمن دو آیهی ذیل را می‌خواند، بین ترس و امید به سوی الله ﷻ طی مسیر می‌کند. نه ناامیدی و نه هم سهل‌انگاری. ﴿تَبَيَّنَتْ عَبْدَايَ أَيُّنَا أَلْعَفُورُ الرَّحِيمُ ٤٩ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ٥٠﴾ [الحجر: 49-50]. «بندگانم را آگاه کن که من آمرزنده مهربانم و همانا عذاب من عذابی دردناک است».

6- بیان مفصل داستان ابراهیم عليه السلام. و با وجود مشقت و وضعیت نابهنجار، لفظ مژده و بشارت بارها تکرار می-شود. پس چگونه مؤمن بعد چنین حالتی نا امید می‌گردد.

7- داستان نوح عليه السلام بیان می‌کند که زیاده‌روی در کارهای زشت و قبیح تأثیر فراوانی در بد اخلاقی و نابودی حیا دارد.

8- در آخر سوره‌ی هود، پایبندی به (تسبیح و عبادت) را درمانی می‌داند برای کسی که در سینه‌ی خویش تنگی احساس می‌کند. به سه آیه‌ی آخر خوب بیندیش: ﴿وَلَقَدْ نَعَلْمُ أَنَّكَ يَصِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ٩٧ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّجْدِينَ ٩٨ وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ٩٩﴾ [الحجر: 97-99]. یعنی: «و به راستی می‌دانیم که از آنچه می‌گویند، دل‌تنگ می‌شوی {97} پس پروردگارت را با ستایش او به پاکی یاد کن و از سجده-کنندگان باش {98} و پروردگارت را تا هنگامی که مرگ به تو رسد، پرستش کن. {99}».

9- سوره‌ی نحل، سوره‌ی نعمت‌ها نامیده می‌شود. در آن تأمل کن و بخشنده‌ی این نعمت‌ها را باربار شکرگزار باش. گر چه منظور این سوره از نعمت، نعمت‌های حسّی

است که متعلق به سواری، لباس، مسکن و مانند این-هاست، لیکن به بزرگترین نعمت‌ها که نعمت نزول قرآن است اشاره می‌کند؛ آنجا که سه مرتبه آن را متذکر می‌شود.

10- در سوره‌ی نحل، ادله‌ی زیادی بر یکتا دانستن الله ﷻ در الوهیت و بطلان ادله‌ی مشرکین وجود دارد.

11- بعد از ذکر نعمت‌های فراوان، الله ﷻ داستان روستایی را یاد می‌کند که به نعمت‌های الهی کفر ورزیدند و در نتیجه الله ﷻ چگونه آنان را عقوبت داد. لذا باید از کفران نعمت برحذر باشیم. تا مبادا آنچه بر سر آن آبادی آمد، بر ما هم بیاید.

12- در پایان سوره به دعوت بر اساس حکمت و پند و موعظه‌ی نیک و صبر بر مشکلاتی که داعی در مسیر دعوت می‌بینند، تشویق شده است.

## جزء پانزدهم

1- آیات آغازین سوره‌ی اسراء از حقایق مهمی پیرامون مسجد الأقصی، داستان ورود بنی اسرائیل و فسادکاری آنان در آنجا را ذکر می‌کند. و می‌گوید: به زودی سرانجام کار به سود نیکان و صالحان خواهد بود.

2- بیان واضح و روشن مبنی بر این که قرآن در همه چیز، در عبادات، معاملات و غیره، به استوارترین راه رهنمون می‌کند.

3- سخن پیرامون دنیا و آخرت و تفاوت تلاشگران به سوی آن: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ



ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصَلِّيَهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ۱۸۱ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ۱۹۱ كَلَّا نُمَدُّ هُوَآءَ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ۲۰۱ أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ﴿۲۱﴾ [الإسراء: 18-21]. یعنی: «هر کس که [آسایش]

زودریس [دنیا] را بخواهد، در آن، برای هر کس که اراده کنیم هر چه بخواهیم، سریع می‌دهیم، سپس جهنم را برایش مقدر می‌کنیم که نکوهش شده و مطرود در آن می‌افتد {18} و هر کس که [پاداش] آخرت را بخواهد و برای آن در حالی که خود مؤمن است تلاش فراوان کند، اینان سعی‌شان مورد حق‌شناسی واقع می‌شود {19} و به هر یک از اینان و آنان، بخشش پروردگارت را می‌دهیم و عطای پروردگارت، ممنوع [از تصرف] نیست {20} بنگر چگونه برخی از آنان را بر برخی [دیگر] برتری دادیم و بی-گمان آخرت [به اعتبار] مراتب افزونتر و در افزون‌دهی بزرگتر است {21}».

4- بیست توصیه‌ی بزرگ متعلق به امور اخلاقی و اجتماعی در آیاتی که با این آیه شروع می‌شود: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [الإسراء: 23] یعنی: «و پروردگارت [چنین] حکم کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید...». تا پایان این وصیت‌ها: ﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ۳۷ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۳۸﴾ [الإسراء: 37-38] یعنی: «و خرامان در زمین راه مرو؛ بی‌گمان تو نمی‌توانی زمین را بشکافی و در بلندی نمی‌توانی به کوه برسی {37} همه‌ی اینها، بدی‌هایش در نزد پروردگارت ناپسند است {38}». حال خوب بنگر در این مورد چه جایگاهی داری!

5- جوابگویی به مشرکین، ابطال شریک خواندن، ذکر گفتگو با ابلیس در هنگام آفرینش آدم عَلَيْهِ السَّلَام، تأکید بر تلاش شیطان در گمراه کردن ما، و این که هر چه انسان پایبند عبودیت الله عَلَيْهِ السَّلَام باشد، از شر شیطان سالم‌تر می‌ماند. ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ﴾ [الإسراء: 65]. یعنی: «بی‌گمان تو بر بندگانم سلطه و قدرتی نداری».

6- راهنمایی‌های الهی به پیامبرمان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبنی بر این که حتی به مقدار کم هم به شیطان اعتماد و گرایش نداشته باشد؛ بلکه به پروردگارش پناه آورد. جواب خواسته‌های مشرکین را بدهد و پاسخگوی آنان باشد و آیات و نشانه‌های آفرینش الهی را ذکر نماید.

7- در پایان سوره با بیان تکذیب موسی توسط فرعون با وجودی که موسی عَلَيْهِ السَّلَام معجزات و ادله‌ی زیادی هم آورده بود، رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دلداری می‌دهد.

8- سخن از برخی اهداف و مقاصد نزول قرآن، اثر آن بر قلوب اهل قرآن و مراعات ادب تلاوت قرآن در هنگام نماز.

9- سوره‌ی کهف در بردارنده‌ی چهار امتحان و آزمایش است که عبارتند از: دین؛ مال و ثروت؛ علم و قدرت و حکومت، سخن می‌گوید.

10- آزمایش دینی در داستان اصحاب کهف جلوه می‌کند. این داستان، مثالی زنده و پویاست برای کسی که در ابتدای راه حق قرار گرفته است و قصد حرکت در این مسیر را دارد. و این که سلامت دینی، بسته به دور بودن

از اماکن و موقعیت‌های فتنه و صادقانه پناه آوردن به الله ﷻ است.

11- امتحان مالی در داستان آن دو مرد که باغدار بودند، تجلی می‌کند. یکی آن مالدار که قیامت را تکذیب نمود و دیگری آن فقیر که به الله ﷻ ایمان داشت و سرانجام هر کدام. و این که سالم ماندن در این امتحان بسته به شکر و سپاس از بخشنده‌ی نعمتهاست و باید که این نعمت در راستای طاعت او تعالی خرج گردد.

12- امتحان در مورد علم هم به صراحت در داستان موسی و خضر ﷺ نمایان می‌شود. این داستان برای طلاب و دانش‌جویان، در ادب، همت و اراده‌ی عالی، امر به معروف و نهی از منکر، درس عبرت است. بر طالب علم است که علم و دانش مربوطه را به عالم واگذارد. در مقابل استاد و شیخ خویش مؤدب باشد و در تحصیل علم شتابزده عمل نکند.

## جزء شانزدهم

1- آزمایش قدرت و حکومت، در داستان ذوالقرنین آشکار می‌گردد. این داستان نمونه و الگویی است برای افراد صاحب قدرت و نفوذ؛ تا که توان خویش را در برپاداشتن عدل و داد میان مردم به کار گیرند.

2- سوره‌ی کهف با بیان صحنه‌هایی از روز حضور در نزد الله ﷻ و سرانجام کفار و اهل ایمان، خاتمه می‌یابد.

3- کلمه‌ی رحمت با تمام مشتقات و زیرمجموعه‌ی خودش، بیست مرتبه در سوره‌ی مریم تکرار می‌شود.

پس به اماکن رحمت نگاهی بیندار و به اسبابش بیندیش. باشد که به آن دست یابی.

4- این سوره به صورت غیر مستقیم، از پنج فایده‌ی تقوا و پرهیزگاری سخن می‌گوید. بکوش تا آنان را پیدا و استخراج کنی.

5- سوره‌ی مریم با داستان زکریا علیه السلام و قدرت الله تعالی که بعد از سپید شدن موی زکریا و نازا شدن همسرش به او فرزندی عطا کرد، شروع می‌شود. حال آیا کسی بعد از شنیدن این داستان، نا امید می‌گردد؟

6- داستان مفصل ولادت عیسی علیه السلام از مریم، و سخن گفتنش در گهواره که من بنده و فرستاده‌ی الله تعالی هستم. جای شگفت است آنانی که ادعا می‌کنند تابع عیسی علیه السلام هستند و او را فرزند الله تعالی می‌دانند؟! الله تعالی بسی بلندمرتبه‌تر از این سخن‌ها ست!

7- داستان ابراهیم علیه السلام و مناظره و بحث او با پدرش در مورد پرستش بت‌ها. و عطوفت و مهربانی ابراهیم با پدرش که باربار می‌گفت: ای پدر من (پدرجان)؛ با وجودی که آزر مشرک بود. لذا در این داستان درس بزرگی است برای داعیان دین، که در هنگام دعوت والدین، با عطوفت و نرمی عمل کنند.

8- داستان بعضی از پیامبران و این‌که هر پیامبری ویژگی و صفاتی دارد که در خور تأمل و اندیشیدن است. و باید به دنبال مواضع تأسی و الگو برداری از داستان هر یک از پیامبران بود. مانند صادق بودن در وعده، دستور

دادن اهل و خانواده به نماز و زکات در داستان اسماعیل؛ و بر همین منوال تا آخر ... .

9- بعد از آن صحنه‌هایی از سرای محشر عرضه می‌شود که دل‌های مؤمن از هولش به لرزه می‌افتد. در پی آن، شبهات کسانی را که گمان می‌کنند الله ﷻ فرزندی دارد، باطل می‌نماید. الله ﷻ بسی والاتر از این سخن-هاست.

10- سوره‌ی طه با شرح و بسط جریان رشد و نمو موسی علیه السلام، تأیید وی از جانب الله ﷻ در دوران کودکی و اوقات ناتوانی، چگونگی حفاظت الله ﷻ از موسی، اجابت خواسته‌ها و مهیا نمودن اسباب قدرت در دعوت برای وی، آغاز می‌شود.

11- تمام حالات خوف و ترسی که بر دل موسی در هنگام ارسال به سوی فرعون و قرعه کشی با ساحران پدید آمده بود، به معیت الهی و کمک برادرش هارون و آیاتی که همراهش بود، نابود گردید. پس با الله متعال باش و مضطرب و نگران مشو.

12- ساحران فرعون در ابتدای روز کافر بودند و در آخر روز مؤمنانی نیکوکار شدند. سرعت تأثیر ایمان بر آنان را نظاره کن!.

13- ذکر مَنّت الله متعال بر بنی اسرائیل که آنان را در مسیر شام از مصر خارج کرده و به سوی کوه سینا رهنمون کرد. و نیز غرق نمودن فرعون به همراه قومش؛ که بنی اسرائیل نظاره‌گر آن بودند. تا بدین وسیله دل مومنان از فرعون و قومش خُنک گردد.

- 14- سامری گوساله را ساخت تا بنی اسرائیل در غیاب موسی عليه السلام آن را عبادت کنند. و با تزئین گوساله باطلش را زینت داد تا آن را بر جُهل ترویج دهد. پس از داعیان باطل، هر چند هم که باطل‌شان را بیارایند، بر حذر باش.
- 15- در اواخر سوره‌ی طه سخن از آنانی است که از یاد روز قیامت روی‌گردانند. و بیان صحنه‌ای از حالاتِ خواری و هول و هراس که در آن روز به وقوع می‌پیوندد.
- 16- یادآوری عداوت و کینه‌ی شیطان با انسان. که داستان آدم عليه السلام و وسوسه‌ی او توسط شیطان از مضمون این یادآوری است. لذا سزاوار است که از دشمن اولین پدر خود، برحذر باشیم.
- 17- سوره‌ی طه با دلداری به رسول ﷺ در مقابل سخن مشرکین به وی و ثبات و پابندی پیامبر ﷺ بر دین، خاتمه می‌یابد. و از مهمترین مواردی که انسان را بر سختی و مشقت دشمنان یاری می‌کند، برپا داشتن نماز به روشی است که رضایت بخش باشد.

## جزء هفدهم

- 1- سوره‌ی انبیاء با هشدار نسبت به برانگیخته شدن و وقوع قطعی آن، و این‌که وقوعش نزدیک است، آغاز می‌شود. آیا آمادگی‌اش را داریم!
- 2- مجد و عظمت و شرافت بسته به پیروی از قرآن کریم است. ﴿لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [الأنبياء: 10] یعنی:

«به راستی برای‌تان کتابی نازل کرده‌ایم که آوازه و تعریف شما در آن است، آیا خرد نمی‌ورزید؟!».

3- توضیح مفصل از اثبات توحید، و این‌که دعوتِ تمام پیامبران یکیست؛ و آن‌هم توحید می‌باشد.

4- مناظره و مناقشه‌ی عقلی و عرضه‌ی ادله‌ی حسی قابل رؤیت که بر یگانگی الله ﷻ دلالت دارد.

5- دَمی از عذابِ الهی برای فراموشی کلّ نعمت‌ها و خوشی‌ها کافیسست. به این آیه بیندیش: ﴿وَلَئِنْ مَسَّنَتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يُؤَيِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ٤٦﴾ [الأنبياء: 46]. یعنی: «و اگر شمه‌ای از عذاب پروردگارت بدیشان برسد خواهند گفت: وای بر ما! به راستی که ما ستمگر بوده‌ایم».

6- داستان نابودی بت‌ها به دست ابراهیم علیه السلام مدل و الگویی زیبا در کارآزمودگی، حکمت و توکل قوی بر الله ﷻ است.

7- شرح و بسط داستان بسیاری از پیامبران و چگونگی هلاکت مخالفین آنان به دست الله ﷻ و عزّت دادن به دوستان خویش.

8- الگویی بسیار زیبا از ارتباط قوی و محکم پیامبران با آفریدگار و نجات آنان در لحظات سخت و دشوار، در سوره‌ی انبیاء.

9- این سوره با ذکر عاقبت مشرکین و معبودان آنان پایان می‌یابد. سپس به توحید فرا می‌خواند.

10- سوره‌ی حج با ترساندن مردم از هول و هراس زلزله‌ی قیامت، و بر حذر داشتن از اتباع شیطان، شروع می‌شود.

- 11- جدال مشرکین در مورد انکار برانگیخته شدن بعد از مرگ و استدلال به ابتدای آفرینش انسان و زنده کردن زمین مرده و بی‌جان.
- 12- توضیح چگونگی فرض شدن حج و ذکر برخی از ارکان و مستحبات آن؛ البته با تمرکز روشن بر اعمال قلب.
- 13- بزرگداشت شعائر و نشانه‌های حج و این‌که خود قربانی یعنی بزرگداشت الله ﷻ و آن را از عادات خارج کرده و در لیست عبادات به شمار می‌آورد.
- 14- ذکر اخراج مهاجرین از سرزمین و کاشانه‌شان؛ و سخن از شروط قدرت و تمکین در زمین.
- 15- ذکر بعضی از اقوام که پیامبران‌شان را تکذیب کردند. و در ادامه ذکر برخی از مکر و حيله‌ها و فتنه‌های شیطان.
- 16- ذکر دلایل بر وجود قدرت الله ﷻ و درخواستن بعد از مرگ و اعتراض و احتجاج مشرکین.
- 17- این سوره با دعوت به جهاد و برپایی نماز و چنگ زدن به الله ﷻ خاتمه می‌یابد.

### جزء هجدهم

- 1- در ابتدای سوره‌ی مؤمنون، صفات و ویژگی‌هایی را خواهی خواند؛ آیا از خود پرسیده‌ای چند صفت از آن‌ها را در خویش محقق نموده‌ای؟



2- به داستان نوح عَلَيْهِ السَّلَام نظاره کن که چگونه الله عَلَيْهِ السَّلَام به او یادآوری می‌کند تا برای نجاتش از قوم ظالم او را حمد و ستایش کند.

3- مختصر تعریفی از داستان برخی از پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام، جهت دلداری و تسلی قلب رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

4- نمایش لحظه‌ی احتضار و مرگ، دمیدن در صور، سرانجام آنان که آیات الهی را تکذیب کردند و وعید سخت به آتش جهنم برای آن‌ها از جانب الله عَلَيْهِ السَّلَام.

5- اولین سوره‌ی مؤمنون این آیه است: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [المؤمنون: 1] یعنی: «قطعاً مؤمنان رستگار شدند». و آخر آن آیه‌ی: ﴿إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الْكٰفِرُونَ﴾ [المؤمنون: 117] است. یعنی: «بی‌گمان کافران رستگار نمی‌شوند». چه فرق بزرگی!

6- سوره‌ی نور با بیان حدّ زنا، تهمت و حکم لعان شروع می‌شود. گویا این سوره به منزله‌ی دیوارهای محکمی است برای پیشگیری از زنا و انتشار آن در جامعه.

7- داستان اِفک (تهمت به عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا) به ما تحقیق، مطمئن شدن و نگهداری زبان را می‌آموزد. و بیان می‌دارد که تهمت زدن چه پیامد مخرب‌ی دارد.

8- از این حادثه مناقب و فضیلت مادرمان عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا آشکار می‌گردد. لذا از تکذیب‌کنندگان قرآن بر حذر باش.

9- نکوهیدن کسی که دوست داشته باشد زنا و کار فحشا را میان زنان و مردان مؤمن پخش و منتشر کند. چرا که این کار تأثیر زیادی در فاسد کردن جامعه دارد.

- 10- دستور به چشم پوشی و نادیده گرفتن اذیت و آزار. خصوصاً اگر آزار دهنده از اقوام و بستگان باشد.
- 11- دستور به اجازه گرفتن در هنگام ورود به خانه و همچنین چشم فرو بستن و پاکدامنی یا حفظ شرمگاه.
- 12- راهنمایی و هدایت به ازدواج و اشاره به این که الله ﷻ ثروت و توانمند شدن را تکفل کرده است. و بیان این- که باید هنگام ناتوانی از ازدواج، عفت و عزت نفس داشت. و همچنین حرمت زنا را هم بیان می‌دارد.
- 13- به مثالی که الله ﷻ در مورد نورش می‌زند بیندیش. از آفریدگارت بخواه که تو را به آن نور رهنمود کند. سپس ببین در مورد آنان که از نور الهی محروم گشتند، چگونه مثال می‌زند. و نجات را از پروردگارت طلب کن. و چه بسیار افرادی را که با وجود مدارک عالی، از این نور محروم نموده است!.
- 14- سخن از برخی صفات منافقین، بیان صفتِ رویگردانی از حکم الهی!
- 15- الله ﷻ در صورت محقق شدن سه شرط به اهل ایمان وعده‌ی قدرت و جانشینی در زمین را داده است: برپاداشتن نماز، پرداخت زکات و امر به معروف و نهی از منکر.
- 16- بیان مفصل احکام اجازه خواستن کودکان در هنگام ورود به خانه؛ ذکر حجاب پیرزنان. تمام این موارد، از دیوارهای عفاف است که سوره‌ی نور آن را بنا نهاده است. سپس از حکم خوردن در خانه‌ی خویشاوندان سخن به میان می‌آید.

17- در پایان سوره دعوت و فراخوان به ادب در هنگام تکلم با رسول الله ﷺ ارائه می‌شود.

18- سوره‌ی فرقان با تمجید از ذاتی شروع می‌شود که فرقان (قرآن) را نازل نمود. تو چه بهره‌ای از این قرآن برده‌ای؟

19- ابطال شبهات مشرکین، پیرامون قرآن و رسول الله

ﷺ.

## جزء نوزدهم

1- صحنه‌هایی از قیامت، بیان خطر دوستان ناباب. پس قبل از این که انگشت ندامت را بگزی، مواظب باش!.

2- ذکر برخی مثال‌ها از هلاکت امت‌های تکذیب‌کننده، توسط الله ﷻ، و انگشت اشاره به کفار قریش؛ که اگر بر باورتان پافشاری کنید، عاقبت شما هم این‌چنین خواهد بود.

3- استدلال به برخی از مخلوقات جهت اثبات یگانگی الله ﷻ در آفرینش. پس به کتاب آفرینش بنگر که ایمانت افزون می‌گردد.

4- وقتی ویژگی‌های عباد الرحمان را در آخر سوره‌ی فرقان می‌خوانی، به چه می‌اندیشی؟ آیا عزم خویش را جزم کرده‌ای که مزین به صفات آنان شوی؟

5- ابتدای سوره‌ی شعرا با دلداری به رسول الله ﷺ در مقابل رنجی که از رویگردانی قومش می‌کشید، آغاز می‌شود.

6- این سوره چندین داستان بیان می‌دارد که همگی برای تثبیت رسول الله ﷺ می‌باشد. به همین منظور تمام داستان‌ها با این فرموده‌ی الهی پایان می‌یابد: ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [الشعراء: 9] یعنی: «و بدون شک پروردگار تو بسیار چیره و بی‌نهایت مهربان است». لیکن بسیاری از مشرکین ایمان نمی‌آورند. الله متعال هم غالب و قادر است که بر آنان عذاب فرو فرستد و او بر پیامبرانش بی‌نهایت مهربان است. پس آنان را بر دشمنان‌شان یاری نمود.

7- در داستان موسی ﷺ قدرتِ اعتماد بر الله ﷻ در سخت‌ترین شرایط، آشکار می‌گردد. ﴿قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾ [الشعراء: 62]. یعنی: «(موسی) گفت: هرگز! قطعاً آفریدگار من، با من است؛ خیلی زود رهنمودم می‌کند». واقعاً چه یقین بالایی!

8- قلب سالم آن است که صاحبش را در روز قیامت سود بخشد. آیا دل‌های‌مان را شکافته‌ایم که سالم‌اند یا نه؟

9- وقتی نوح ﷺ قومش را امر به معروف و نهی از منکر نمود، او را به اخراج و رجم تهدید کردند! و ما امروزه با سخنی زودگذر مورد اذیت و آزار قرار می‌گیریم؛ فرق میان این دو چه بسیار است.

10- هود ﷺ نعمت‌هایی را برای قومش یادآور شد و گفت: سپاس و شکرگزاری (جواب) این نعمت‌ها، تقوا و پرهیزگاری است.

11- در داستان پیامبر الهی، صالح علیه السلام بیدارباشی است بر این که نباید از اسراف‌کاران و مفسدین اطاعت کرد. مبادا که تو را بفریبند و به فتنه اندازند.

12- خطر جدی موافقت یا راضی بودن به منکر؛ حتی اگر صورت هم نگیرد! ببین سرانجام زن لوط علیه السلام چه شد.

13- الله را آن‌گونه عبادت کن که گویا او را می‌بینی، اگر تو او را نمی‌بینی، او که نظاره‌گر توست، در داستان شعیب علیه السلام و پایان سوره‌ی شعراء جلوه می‌کند: ﴿الَّذِي يَرْتَأَتُكَ حِينَ تَقُومُ ۚ﴾ [الشعراء: 218].

یعنی: «معبودی که چون برمی‌خیزی تو را می‌بیند».

14- این سوره با اشاره به شأن و منزلت قرآن کریم و امر به دعوت به سوی الله جل جلاله خاتمه می‌یابد.

15- ابتدای سوره‌ی نمل می‌گوید: قرآن برای کسی که چندین صفت در او یافته شود، هدایت و مژده است. پس آن‌ها را پیدا کن.

16- در داستان موسی با فرعون، بازتاب تکبر و ظلم در انکار آیات الله جل جلاله، روشن می‌گردد.

17- در امانت‌داری هُدهُد و حرص او بر توحید، و از خود بی‌خود نشدن در مقابل نعمت‌های دنیا که در نزد کفار دید؛ اندیشه کن؛ لذا توحید چیزی است که حیوانات بر اساس آن آفریده شده‌اند؛ چه برسد به انسان‌های مکلف.

18- داستان سلیمان علیه السلام و سبأ بیان می‌دارند که چگونه پادشاهی و قدرت در اطاعت الهی و در معصیت به کار گرفته می‌شود.

19- در داستان قوم صالح عليه السلام مشخص می‌گردد که هر چند حيله‌گران، مکر و دسیسه کنند، الله جل جلاله هم علیه آنان تدبیر می‌کند و آنان نمی‌فهمند.

### جزء بیستم

1- داستان لوط عليه السلام از این خبر می‌دهد که وضعیت مفسدین به جایی می‌رسد که به اقامتِ پاکان در میان خویش راضی نمی‌شوند!

2- در سوره‌ی نمل پنج سؤال مطرح می‌شود که پایه و بنیان توحید را ترسیم و حقیقت را برای هر خردمندی تشریح می‌کند. پس خوب به آن بیندیش و تدبیر کن.

3- سوره‌ی نمل با ذکر برخی از صحنه‌های قیامت پایان می‌یابد. و از هول این صحنه‌ها، قلب به لرزه در می‌آید.

4- سوره‌ی قصص با آرامش دادن به مؤمنان در مورد آینده‌شان، و این‌که الله جل جلاله در زمین به آنان قدرت خواهد داد، آغاز می‌گردد. این جریان در خلال شرح مفصل داستان ولادت موسی، پرستاری، شیردهی و تربیت وی در قصر فرعون آشکار می‌گردد.

5- این سوره از خلال عملکرد تعدادی از زنان، به نقش زن در خدمت‌کردن به دین الله جل جلاله اشاره می‌کند. از جمله: مادر و خواهر موسی عليه السلام و نیز آن خانم که به استخدام موسی عليه السلام برای چوپانی مشورت داد.

6- اشاره به داستان قتل آن قبطی؛ و این که هرگز موسی علیه السلام به کشتن انسان بی‌گناهی افتخار نکرد؛ بلکه به گناه خویش اقرار و اعتراف نمود و آمرزش طلبید.

7- آمدن آن زن (دختر شعیب علیه السلام) نزد موسی در حالی که با حیا و شرم گام بر می‌داشت، به چه چیز اشاره می‌کند؟ حیا و آرم عطر زندگی است. و زمانی که خانم آن را از دست داد، هیچ خیری در او نیست.

8- بازگشت موسی علیه السلام به همراه خانواده به سرزمین خویش، کمک به وی به پشتیبانی برادرش، اشاره به این دارد که دعوتگر از یارانی که او به کمک کنند، بی‌نیاز نیست. و گاه‌آ جز الله عز وجله هیچ یآوری یافته نمی‌شود. چه سرور و یاور نیک، و چه مددکار و کمک کننده‌ی خوبی است!

9- ملزم نمودن مشرکین به تصدیق رسول صلی الله علیه و آله. چرا که او صلی الله علیه و آله داستان بنی اسرائیل را به آنان تعریف می‌نمود در حالی که خود شاهد آن نبوده است.

10- بیان قدرت الله عز وجله در پی‌درپی آوردن روز و شب. که اگر می‌خواست یکی از آن دو را همیشگی و مستمر قرار می‌داد. و اگر چنین می‌شد، مصالح عباد تعطیل می‌گشت.

11- داستان قارون و ثروتش می‌گوید: اگر شخص حق‌الله عز وجله در ثروت خویش را نداند، توانگری و ثروتش بر او شوم و وبال خواهد بود.

12- در پایان سوره‌ی قصص چنان که به بازگشت موسی علیه السلام به سرزمینش اشاره می‌کند، می‌گوید: ای

محمد ﷺ تو هم چنین خواهی نمود. لذا می‌بینیم پیامبر ﷺ در آخر پیروز و یاری شده به وطن خویش بازمی‌گردد.

13- اول سوره عنکبوت سخن از آزمایش‌ها و امتحاناتی است که بر سر راه داعی قرار می‌گیرد. امتحان خانواده، عذاب جسمی، آزمایش دنیوی و امتحان طول مسیر دعوت. و در لابلای این جریان و خصوصاً در آخر سوره، برون‌رفت از این امتحانات بیان می‌گردد. ﴿وَالَّذِينَ جُهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ [العنکبوت: 69]. یعنی: «و کسانی که در راه ما کوشش کنند، قطعاً آنان را به راه‌های خویش رهنمود می‌گردانیم».

14- نمونه‌ها و مدل‌های متوالی از مجازات اقوام، دائماً ما را به فکر و اقدام می‌دارد که از چنین عقوبت‌هایی در امان نیستیم.

## جزء بیست و یکم

1- دستور به بهترین روش گفتگو با اهل کتاب. پس گمان تو در مورد گفتگو با برادر مسلمانان چیست؟!

2- پایان سوره‌ی عنکبوت به اندیشیدن در جهان و کائنات دعوت می‌دهد. و این که تلاش و کوشش مستمر، به رسیدن به هدف منجر می‌شود.

3- سوره‌ی روم با ذکر شکست روم آغاز می‌شود. و وعده‌ی پیروزی قریب الوقوع آنان را می‌دهد. و این که الله ﷻ هر کس را که بخواهد یاری می‌کند.



4- بین الله ﷻ چگونه مشرکین را به سبب غفلت آنان از آخرت، سرزنش می‌کند. پس خوب دانستی که چسبیدن به دنیا و به فراموشی سپردن آخرت، چه بیماری و درد بزرگی است.

5- دعوت به اندیشیدن در نشانه‌های الهی نسبت به آفرینش انسان، رفت و آمد متوالی شب و روز، و فرو فرستادن باران و غیره.

6- دعوت به پایداری و ثبات بر فطرت (اسلام) و اشاره به این که عامل پیدایش فساد و تباهی، عملکرد خود انسان‌هاست. لذا تو کمکی در پیدایش آن نپاش.

7- بازگشتن به ذکر برخی از نشانه‌های الله ﷻ در جهان، و در پایان دعوت به صبر و شکیبایی.

8- ابتدای سوره‌ی لقمان در وصف محسنین و پاداش آنان است. در ادامه، یاد و جزای آنانی می‌آید که مرتکب سخنان لغو و بیهوده (از جمله ترانه و موسیقی) شده‌اند.

9- وصیت و پند و اندرز لقمان ﷻ به فرزندش با توحید، سپس نیکی به پدر و مادر و برخورد نیک با آن‌ها حتی اگر مشرک باشند! شروع می‌شود. می‌بینیم پند لقمان با مقدم نمودن اصلاح عقیده بر اعمال بدن و جوارح آغاز شده است. خوب به این مسئله بیندیش! و آن را به سخن این سوره در مورد دلایل توحید در جهان هستی، پیوند بده. و این که چگونه مشرکین در هنگام سختی و مشقت‌ها به الله ﷻ رجوع می‌کنند و در راحتی و آسایش دوباره شرک می‌ورزند!

10- در ختام سوره، دعوت به آمادگی برای روز قیامت آمده است. و اشاره به کلیدهای غیب می‌کند که جز الله ﷻ کسی آن را نمی‌داند.

11- آغاز سوره‌ی سجده، سخن از ابتدای آفرینش مخلوقات و انتهای آفرینش و عاقبت آنان می‌آید. یا به سوی بهشت و یا آتش!

12- سوره‌ی سجده برخی از صفات و فاکتورهای مؤمنان را یادآور می‌شود. و می‌گوید: بارزترین ویژگی‌هایی که انسان را به پیشوایی و امامت دینی می‌رساند، صبر و یقین است.

13- در پایان این سوره به اندیشیدن در آیات الهی و روی‌گردانی از معاندین، فراخوان داده می‌شود.

14- سوره‌ی احزاب با فراخواندن پیامبر ﷺ به تقوا و پروای الله ﷻ شروع می‌شود! آیا تو وقتی چنین درخواستی از تو بشود، خشمگین می‌شوی؟

15- اشاره به امّات المؤمنین و بیان این‌که حرمت آنان در ازدواج، همانند حرمت مادران حقیقی و نسبی است.

16- صحنه‌هایی بسیار رسا و بلیغ از غزوه‌ی احزاب، از وضعیت و رویکرد مسلمانان و منافقین در سختی‌های جهاد پرده برمی‌دارد.

## جزء بیست و دوم

1- بیان وضعیت رسول الله ﷺ با همسرانش و دستور الله ﷻ به آنان تا نعمت الهی که نعمت نزول وحی و سنت در خانه‌هایشان بود را، یادآور باشند. پس آیا این را درک می‌کنیم که خیر و نیک بودن خانه‌هایمان به همان اندازه‌ای است که با تلاوت قرآن و اجرای سنت، آباد می‌شود؟

2- هشدار و یادآوری به فضیلت آل بیت پیامبر ﷺ که الله از ایشان راضی بادا. و نیز فضیلت مردان و زنان مسلمان به صورت عام.

3- اشاره به برخی از احکام مربوط به طلاق و حجاب امّات المؤمنین. الله رحمت کند زنی را که آنان را الگوی خویش قرار دهد.

4- تمرکز واضح و روشن بر حجاب و آداب آن و ارتباط آن با تسلیم شدن در مقابل دستور الله ﷻ و هشدار و برحذر داشتن از منافقین و روش‌های آنان؛ زیرا در هیچ سوره‌ای بحث حجاب نشده است، مگر این که از منافقین هم آنجا یاد شده است.

5- در پایان سوره، عاقبت و سرنوشت کافران و پیروان آن‌ها ذکر شده است و همچنین امانتی که انسان آن را بر دوش گرفت، یادآوری شده است. پس باید نگاه کنیم آیا از کسانی هستیم که آن را صادقانه قبول کردیم یا در آن کوتاهی نمودیم.

6- سوره سبأ با خط بطلان کشیدن بر قواعد و قوانین شرک و ادعای انکار برانگیخته شدن، آغاز می‌گردد.

- 7- رویکرد پیامبران عليهم السلام در تعامل و برخورد با نعمت-های الهی، شکرگزاری بوده است؛ حال بین که بسیاری از مردم آن را نادیده می‌گیرند و کفران نعمت می‌کنند.
- 8- در جدال میان پیروان و نافرمانان و سرکشان، اشاره-ای است به اهمیت تصمیم‌گیری درست در پیروی کردن؛ تا مبادا پشیمان شویم.
- 9- سوره با دعوت مشرکین به تفکر و اندیشیدن و ترساندن آنان از روزی که ایمان آوردن در آن سودی نمی-بخشد، خاتمه می‌یابد.
- 10- آغاز سوره‌ی فاطر حامل یادآور شدن مردم به نعمت‌های الهی و هشدار آنان از فریب دنیا و شیطان، یادآوری به عظمت الله جل جلاله و نیاز مبرم مخلوقات به وی است.
- 11- قانونی از قوانین ایمان که باعث سرازیر شدن رضایت و یقین قلبی می‌گردد، در اول این سوره ذکر می‌شود. شایسته است که آن را مدنظر قرار دهیم: ﴿مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [فاطر: 2]. یعنی: «(در) رحمتی را که الله برای مردم می‌گشاید، برای آن (رحمت) هیچ بازدارنده‌ای نیست، و الله هرچیزی را که باز دارد جز او گشاینده و رهاکننده‌ای ندارد و او توانا و باحکمت است». پس باید که قلبت محتاج و متوجه الله جل جلاله باشد.
- 12- بیان دسته‌های مختلف مردم که کتاب را به میراث بردند و جزای مؤمنین و کفار. پس برای خود، جایگاهی جلوتر از آنان که به قرآن نازل شده بر رسول صلی الله علیه و آله لبیک گفتند، پیدا کن و بیاب.

13- سوره با لگدمال کردن مشرکین با دلایل واضح و مبرهن پایان می‌یابد. و در آخر، یک قاعده‌ی قرآنی مطرح می‌کند و آن اینکه یقیناً نیرنگ‌های زشت، دامنگیر اهلیش می‌گردد.

14- ابتدای سوره‌ی (یس) از قرآن و دعوت دادن مشرکین توسط رسول الله ﷺ سخن می‌گوید.

15- به ساکنان روستایی که پیامبران را تکذیب کردن مثال زده می‌شود.

16- داستانی شگفت‌انگیز از آن مؤمنی که به قومش دلسوزی و شفقت داشت و وارد بهشت شد، ذکر می‌شود. ابن عباس رضی الله عنهما این فرد را حبیب نجار معرفی کرده است. و این داستانی است که فقط در همین جا یاد شده است.

17- از بارزترین درس‌های فرا گرفته شده از داستان حبیب این مورد است: دلسوزی بی‌نظیر او برای قومش، که حتی بعد از ورود به بهشت هم این آرزو را در سر داشت. او می‌گفت: ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ۚ ۲۶ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ۲۷﴾ [یس: 26-27]. یعنی: «بدو گفته شد: وارد بهشت شو گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند! {26} که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و مرا از زمره‌ی گرامیان قرار داد {27}».

آفرین بر قتاده باد آنگاه که گفت: با مؤمن، فقط در حالت خیرخواهی برای او روبرو شو و هرگز او را فریب مده و به او خیانت نکن. و چون پاداش و کرامت الهی را تجربه کرد، گفت: ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ۚ ۲۶ بِمَا غَفَرَ لِي

رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾ [یس: 26-27]. یعنی: «بدو گفته شد: وارد بهشت شو گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند! {26} که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و مرا از زمره‌ی گرامیان قرار داد {27}». خواستار این است که قومش آنچه را که او از کرامت و بخشندگی الله متعال دیده، بدانند.

## جزء بیست و سوم

- 1- این جزء با توضیح نگاه‌ها و نگرشها به آیات الله ﷻ در کائنات، دعوت مشرکین به ایمان و هشدار نسبت عبادت شیطان شروع می‌شود.
- 2- با تأکید بر قدرت داشتن الله ﷻ بر مخلوقات و دوباره زنده کردن آنان به انتها می‌رسد.
- 3- ابتدای سوره‌ی صافات بنا بر آفرینش مخلوقات بزرگی که جز الله متعال کسی قادر به آفریدن آن نیست، وحدانیت و یگانگی الله ﷻ را اثبات می‌کند.
- 4- پیرامون زنده شدن دوباره و سزا و جزا و ذکر بهره‌مند شدن مؤمنین از نعمت‌ها و عذاب تکذیب‌کنندگان، بحث می‌شود.
- 5- نمونه‌هایی از گفتمان میان بهشتیان و دوزخیان، خطیر بودن همنشین بد را مشخص می‌نماید.
- 6- پروردگار تو بهترین اجابت کننده‌ی دعاهای بندگان است! آیا در طلب از وی اسرار و پافشاری نموده‌ای؟ ببین: ﴿وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلَنَعَمَ الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ [الصافات: 75]. یعنی: «و به راستی نوح ما را به فریاد خواند و ما بهترین پاسخ‌دهندگان بودیم».

7- تسلیم ابراهیم و اسماعیل عَلَيْهِمَا السَّلَام در برابر دستور الهی، از زیباترین مثال‌ها در اثر تربیت نیک، و بیان عاقبت به‌خیری آن است.

8- انتهای این سوره هم به ابطال برخی از شبهات مشرکین و بیان این‌که سربازان الله عَلَيْهِمُ الْجَلَال یاری‌شوندگان هستند، می‌پردازد.

9- سوره‌ی (ص) از انواع دشمنی‌های زمینی و آسمانی صحبت می‌کند. سعی کن آن را بررسی کنی. و در پایان چه کسی به خاطر دفاع از حق یاری خواهد شد؟

10- در سوره‌ی (ص) آرامش دادن و دلداری به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و درخواست از وی که به پیامبران پیشین اقتدا کند و این‌که آنان عَلَيْهِمُ السَّلَام چگونه در امتحانات صبوری کردند، بیان می‌گردد.

11- بین که الله عَلَيْهِمُ السَّلَام چگونه برای سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام چیزهایی را مسخر و مطیع نمود که برای هیچ کس در زمان وی نبود. اما این کار او را به تکبر و نداشت؛ بلکه شکر نمود و این نعمت‌ها را در راه رضای الله متعال به کار بست.

12- نگاه کن که پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام چه ادبی در دعا کردن داشتند: ﴿وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ۚ﴾ [ص: 41]. یعنی: «و ایوب را (یاد کن) بدانگاه که پروردگار خود را به فریاد خواند (و گفت): بی‌گمان بیماری به من رسیده است و تو مهربانترین مهربانان هستی».

13- توصیف پایان کار پرهیزگاران و سرکشان. سپس عرضی داستان ابلیس و امتناع او از سجده به آدم عَلَيْهِمُ السَّلَام به سبب تکبر و خود بزرگ‌بینی. و این چیزی است که در

قصه‌ی این دشمن ملاحظه می‌شود. لذا بر ماست که از اخلاق او برحذر باشیم.

14- سوره‌ی زمر را می‌توان گفت سوره‌ای است که سخنش به مسئله‌ی اخلاص اختصاص یافته است. پس در عبادات خویش به دنبال این مفهوم بزرگ باش.

## جزء بیست و چهارم

1- افتتاح این جزء سخن پایانی در مورد خالص گرداندن توحید، و وعید برای مشرکین است. آنانی که ریشه و بنیان توحید را در اعمال‌شان نابود کردند. در نتیجه کردارشان نابود گشت و از زیانکاران گشتند.

2- جای ناامیدی از رحمت الله ﷻ وجود ندارد. چرا که الله ﷻ تمام گناهان را می‌آمرزد. هر اندازه هم که شنیع و زشت باشد. پس برای ورود به باغ توبه شتاب کن؛ زیرا که آن، حاصل و نتیجه‌ی یک عمر است.

3- آیا به صحنه‌ی بردن گروه گروه کفار به سوی جهنم و به بردن متقیان به سوی بهشت اندیشیده‌ای؟ عملکرد متقیان را داشته باش تا به فضل و رحمت الهی با آنان همراه باشی.

4- ابتدای سوره‌ی غافر بیانگر این است که الله ﷻ می‌آمرزد، توبه را قبول می‌کند و معاندین و سرکشان را سخت عقوبت و مجازات می‌دهد.

5- و در این سوره از جدال به حق و ناحق سخن به میان می‌آید.



6- سوره‌ی غافر مژده و خبری خوش برای توبه‌کنندگان است. همین شرافت و منزلت برایشان بس که فرشتگان برایشان آمرزش می‌طلبند.

7- سخن از اسیر ماندن عقل‌ها نسبت به روز قیامت و نمایان شدن ملک و پادشاهی الله ﷻ در آن روز است.

8- در داستان مؤمن آل فرعون، نمونه و الگویی است از یک دعوتگر که قومش را نصیحت می‌کند و با دلیل و مدرک بحث و مناقشه می‌کند؛ چرا که مجرد احساس کفایت نمی‌کند.

9- توضیح و تفصیل بسیاری از نعمت‌های الله ﷻ و نهایت آنان که در آیات الله مجادله کرده و جواب به جواب می‌ایستند.

10- سوره‌ی فصلت در مورد قرآن کریم و برخورد دشمنان معاند و لجوج با آن، سخن می‌گوید. و با وجود ضعف و ناتوانی‌ای که دارند، عدم استجابت قرآن از جانب آنان را عیب و خرده می‌گیرد. حال آنکه آسمان‌ها و زمین با وجود عظمت و بزرگی، دستور الله ﷻ را پذیرفته‌اند.

11- بیان جدی بودن خطر دوستان ناباب و این که آنان کفر و گمراهی را برای همراهان و دوستان خویش مزین و آراسته می‌کنند.

12- تصریحی واضح از این که کفار بسیار مشتاق هستند تا مردم را از گوش فرا دادن به قرآن باز دارند. زیرا باور قطعی دارند که قرآن در دل‌ها و درون تأثیر می‌گذارد. و امروزه آنان در اوج خباثت و حيله‌گری قرار دارند. به این آیه نظاره کن: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ ۲۶﴾ [فصلت: 26]. یعنی: «و کافران گفتند:

- به این قرآن گوش ندهید و در (هنگام تلاوت آن) بیهوده‌گویی و جار و جنجال کنید تا شما پیروز شوید».
- 13- سوره‌ی فصلت متضمن بحثی پیرامون جریانات تربیتی در دعوت به سوی الله ﷻ و اخلاق نیکو می‌باشد که واقعاً جای تأمل دارد.
- 14- تهدید ملحدین در آیات الهی و دفاع از قرآن کریم و بیان این‌که این کتاب هدایت و درمان است.
- 15- در پایان سوره به اندیشیدن در جهان هستی و انسان‌ها و جان‌ها فرا می‌خواند؛ و این روشی است که حق را برای جوینده‌اش تبیین می‌کند.

### جزء بیست و پنجم

- 1- سوره‌ی شوری با معرفی قرآن مجید شروع می‌شود. و می‌گوید: قرآن برای امّ القری یا مکه و اطراف مکه بیم‌دهنده است. همچنین در مورد روز قیامت هم هشدار می‌دهد.
- 2- الله ﷻ هر کس را که بخواهد برای رسالت خویش برمی‌گزیند. و دعوت بزرگی انبیاء ﷺ یکی است. هر چند در قوانین و احکام جزئی و مفصل، متفاوت است. پس جای هیچ‌گونه تعجبی نیست که دین همان‌گونه که برای پیامبران قبل از رسول الله ﷺ مشروع شده بود، برای ایشان هم مشروع گردد.

3- ثابت و استوار نمودن مبدأ شوری. و بیان این که شوری و مشورت از جمله صفات جامعه‌ی مسلمان است.

4- سخن در مورد عفو و درگذشتن. و اگر با این اغماز و چشم‌پوشی کردن، اصلاحی عاید گردد، قابل ستودن است و گر نه خیر.

5- اشاره به برخی از دلایل وحدانیتِ الله ﷻ و قدرت او تعالی؛ از جمله: نعمتِ تنوع در ارزانی داشتن اولاد و فرزندان برای هر کس که بخواهد و منع و ندادن به هر کس که بخواهد.

6- پایان سوره‌ی شوری بیانگر این مطلب است که قرآن، روحی است که جان‌ها بدان زنده می‌گردد. آیا نظاره کرده‌ای که الله ﷻ با این روح، چه مقدار از قلبت را زنده نموده است؟

7- سوره‌ی زخرف با ذکر مقام و جایگاه قرآن کریم آغاز می‌شود. سپس از این موضوع خارج و وارد بحث احتجاج با مشرکین می‌گردد. در ادامه به مناقشه و بررسی آنانی می‌پردازد که بدون دلیل از پدران خویش پیروی نموده‌اند. آیا تا کنون به اثر منفی تقلید کورکورانه بر خویش، اندیشیده‌ای؟

8- نگران معیشت و روزی خویش نباش. الله ﷻ معیشت مردم را در میان‌شان تقسیم نموده است. البته برخی را بر برخی دیگر برتری داده است: ﴿نَحْنُ فَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ [الزخرف: 32]. یعنی: «ما معیشت آنان را در زندگی دنیا بین آنان تقسیم کرده‌ایم».

9- از همنشین بد برحذر باش و دوری گزین؛ قبل از این که آرزوی دوری از یار بد را داشته باشی. چرا که این زمان پشیمانی سودی ندارد!

10- در داستان موسی عليه السلام فرعون برای برتر دانستن خود بر موسی، به مُلک و پادشاهی استدلال می‌کند! به دنیا فریفته مشو.. زیرا الله عز وجل آن را به کسی که دوستش دارد و ندارد، می‌بخشد.

11- در روز قیامت تمام دوستی‌ها به جز دوستی متقیان و پرهیزگاران، از هم می‌پاشد. پس با صالحان و نیکان همدم باش تا در دنیا و آخرت رستگار گردی.

12- به صحنه‌ای که پایان سوره‌ی زخرف در مورد گفتگوی بین جهنمیان و (مالک) نگهبان جهنم بیان می‌دارد، نظاره کن. آه و حسرت بزرگ جهنمیان را تصور نما!

13- آغاز سوره‌ی دخان از قرآن که کتابی مبارک است و در آن شب مبارک نازل شده است، سخن می‌گوید. در ماهی مبارک و در شبی مبارک (شب قدر). پس در آن به دنبال برکت باش.

14- زندگی مشرک، بازی و سرگرمی است؛ لذا از همگونی و همانندی به او پرهیز کن.

15- بین که چگونه استکبار و خودبزرگ‌بینی، اهلش را از حق منحرف می‌کند!

16- این سوره با سخن از نهایت کار اشرار به پایان می‌رسد: ﴿إِنَّ شَجَرَتَ الزُّقُومِ ۣ طَعَامُ الْآثِمِ ۣ﴾ [الدخان: 43-44]. یعنی: «بی‌گمان درخت زقوم {43} خوراک (افراد) گناهکار است. {44}... و ادامه‌ی آیات».

و برگزیدگان و نیکان منتظر چه هستند: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ۝۱ فِي جَنَّاتٍ وَغُوبٍ ۝۲﴾ [الدخان: 51-52]. یعنی: «به راستی که پرهیزگاران در جایگاه امن و امانی هستند. {51} در باغ‌ها و چشمه ساران. {52} ...».

17- اوایل سوره‌ی جاثیه نظرها را متوجه ملکوت آسمان‌ها و زمین می‌کند. سپس عقوبت و مجازات آنان که از عبادت پادشاه پادشاهان سر برتافتند و آنان که وحی را به بادِ تمسخر گرفتند، بیان می‌کند.

18- دنباله روی از هوا و هوس، صاحبش را بر آن می‌دارد که ناآگاهانه برای خود معبودی بتراشد.

19- سوره‌ی جاثیه با توصیفی تأثیر بخش از هول و هراس قیامت، زیان باطلان، ثواب مؤمنان و مجازات کفار خاتمه می‌یابد.

### جزء بیست و ششم

1- سوره‌ی احقاف با استدلال به محکم و استوار بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین بر توحید الوهیت برای الله ﷻ آغاز می‌شود.

2- بحث پیرامون درستی وحی و کسی که آن را آورده است.

3- وصیت به نیکی با والدین و برحذر بودن از اُف گفتن به آنان.

4- در داستان احقاف روشن می‌گردد که مجازات و عقوبت گناه در لباس نعمت پدیدار می‌شود. چنانکه قوم

نوح عذاب را باران تصور کردند. این گونه گمان‌ها انسان را نابود می‌کند.

5- ببین که چگونه جن‌ها به مجرّد یک بار شنیدن قرآن، اسلام را فهمیدند؛ آیا تا کنون از خود پرسیده‌ای که قرآن چه تأثیری بر تو گذاشته است با وجودی که بارها آن را شنیده‌ای؟

6- پایان سوره‌ی احقاف دعوت به تفکر در کائنات و به یادآوردن روز قیامت است. هم‌چنین دعوت می‌دهد تا در صبر و شکیبایی، به پیامبران علیهم‌السلام اقتدا شود.

7- سوره‌ی محمد با تشویق مؤمنین به جنگ و نبرد با کفار و ذکر عاقبت هر دو گروه، آغاز می‌شود.

8- توصیف بهشت و نعمت‌هایش، و آتش و عذاب‌هایش. تا انسان نیکوکار تشویق شود و بدکار بترسد.

9- این سوره منافقین را با چندین ویژگی توصیف می‌کند و آنان را برای درمان بیماری‌های قلبی به تدبیر در آیات قرآن کریم فرا می‌خواند.

10 - سوره‌ی محمد با وصیت‌هایی برای مسلمانان پایان می‌یابد که مهمترین آن، ثبات و استقامت بر حق است. وگر نه اگر رویگردانی کنند، الله تعالی به جای آنان مردمانی دیگر را قرار خواهد داد.

11- آغاز سوره‌ی فتح، بشارت و خوش‌خبری به مؤمنان نسبت به پایان نیک‌صلح حدیبیه است. با وجود این‌که در ابتدای کار، شباهتی به پیروزی نداشت، این صلح را به فتح و پیروزی وصف می‌نماید.

- 12- آرامش دادن به مؤمنین و زدودن غم و اندوه از آنان. و از پیش‌آمد ناگوار و مصیبت بر منافین و مشرکین خبر می‌دهد. پس ای مؤمن ناامید مباش.
- 13- ذکر بیعت حدیبیه، مقام رفیع آنان که در این بیعت حضور داشتند و خرده‌گیری بر آنان که از این جریان عقب مانده و از شرکت در فتح خیبر محروم شدند.
- 14- بیان صریح الله ﷻ مبنی بر رضایت از کسانی که در زیر درخت بیعت کردند. هلاکت باد بر کسی که طعنه بر افرادی می‌زند که الله ﷻ از آن‌ها راضی است.
- 15- سوره‌ی فتح با آیه‌ای که ویژگی امت یاری شده را شرح می‌دهد، به پایان می‌رسد. از ابتدای این آیه: ﴿مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: 29].  
یعنی: «محمد فرستاده‌ی الله، و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر و درمیان خود مهربانند».
- 16- سوره‌ی حجرات گردآورنده‌ی اخلاق و آداب است. در این سوره به دنبال اخلاق و ادب باش. هر اخلاق نیکی را بر خود لازم بدار و از هر اخلاق بدی برحذر باش.
- 17- این سوره از جدی بودن خطر شایعات سخن می‌گوید. و می‌گوید: شایعه‌پراکنی منجر به پشیمانی خواهد شد. در آنچه بیان و یا نقل قول می‌کنی، تحقیق کن و مطمئن شو. خصوصاً در این فضاهای تبلیغاتی که اعتماد و یقین بسیار نادر و کمیاب شده است.
- 18- محکم و استوار نمودن پایه‌های برادری عام که بر مبنای ایمان باشد. و سد کردن، بستن و اصلاح هر خلل و منفذی که در آن حاصل شود.

19- ذکر برخی از آداب و روش‌هایی که شایسته است انسان مؤمن به آن آراسته شود.

20- برتری نزد الله تعالی بر پایه‌ی تقوا و پرهیزگاری است نه اصل و نسب. لذا هرگز به چیزی که تو را سود نمی‌بخشد، دل میند!

21- هر آنچه برای مؤمن حاصل می‌شود، به فضل و توفیق طاعات و عبادات حاصل می‌شود. در تمام این موارد، منت و بزرگواری از آن الله ﷻ است: ﴿بَلِ اللَّهِ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۱۷﴾ [الحجرات: 17]. یعنی: «بلکه الله بر شما منت می‌گذراد که شما را به سوی ایمان رهنمود کرده است».

22- سوره‌ی (ق) با ذکر تکذیب مشرکین علیه رسول الله ﷺ شروع می‌شود. سپس استدلال بر اثبات زنده-کردن مردگان با نشانه‌هایی که چشم بینا آن را می‌بیند. تمام این نشانه‌ها دال بر قدرت و توان الله ﷻ است.

23- آیا الله ﷻ را بر آنچه می‌گویی مراقب دانسته‌ای؟ و آیا دو فرشته‌ای را که سخنانت را ثبت می‌کنند، به یادآورده‌ای؟! ﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۱۸﴾ [ق: 18]. یعنی: «هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر آنکه نزدش نگهبانی آماده (حضور) دارد».

24- در این سوره، بیانی بسیار تأثیر بخش است از توصیف سکرَاتِ مرگ و آنچه در ادامه از صحنه‌های قیامت ذکر می‌شود. هم‌چنین در آن از درخواست افزایش آتش، بیان ویژگی بهشتیان سخن گفته می‌شود. آنان که



بسیار به سوی الله ﷻ رجوع می‌کردند و حدود الهی را مراقب بودند.

25- در پایان سوره‌ی (ق) هم، همانند ابتدای آن، سخن از اثبات زنده‌کردن مردگان و استدلال به عظمت و بزرگی الله تعالی بر این جریان است.

26- اول سوره‌ی ذاریات شامل اثبات برانگیخته شدن از قبرها، سزا و جزا و بیان سرانجام متّقیان و کفار است.

27- آیا در مورد روزی‌ات نگرانی و ترس داری؟ به راستی الله ﷻ به ذات خویش سوگند یاد می‌کند که همان‌سان که تویی انسان سخن می‌گویی، روزی تو در آسمان است.

### جزء بیست و هفتم

1- در ابتدای داستان لوط - با وجودی که قومش اولین قوم نبود - اشاره‌ای است به این‌که کفار مکه از نظر غوطه‌ور شدن در فراموشی و غفلت، همانند قوم لوط هستند؛ ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ﴾ [الذاریات: 11].

یعنی: «آنان که خود، در ورطه‌ی نادانی بی‌خبرند».

الله متعال در مورد قوم لوط می‌فرماید: ﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ [الحجر: 72]. یعنی: «به جان تو سوگند که

آنان در مستی خود سرگشته‌اند».

2- با کنایه و اشاره‌ی به مشرکین، با ذکر برخی از امت‌های تکذیب‌کننده و هلاک‌کردن آنان، به مشرکین کنایه

می‌زند؛ یعنی اگر آنان هم سخن حق را نپذیرند، چنین سرنوشتی خواهند داشت.

3- **اللَّهُ جَلَّ** پیامبرش **ﷺ** را به رویگردانی از تکذیب-کنندگان معاند دستور می‌دهد. لیکن او را به پند دادن مستمر به مؤمنین امر می‌کند.

4- ﴿وَذَكَرَ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ٥٥﴾ [الذاریات: 55]. یعنی:

«و پند ده به راستی که پند دادن به مؤمنان سود می‌بخشد». این آیه بیانگر این مطلب است که هر چه مؤمن از پند و نصیحت سود ببرد، نشانه‌ی قدرت ایمان او است. عکس این جریان هم صدق می‌کند.

5- آیا تا کنون اندیشیده‌ای که این هدف را تا چه حد محقق نموده‌ای؟ ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ٥٦﴾

[الذاریات: 56]. یعنی: «و من جن و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند، نیافریده‌ام».

6- اول سوره‌ی طور به عذابِ مشرکین تکذیب‌کننده تهدید می‌کند. شدیدترین این تهدیدها زمانی است که

فرشتگان آنان را به سختی و نکوهش به پیش می‌رانند: ﴿يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً ١٣﴾ [الطور: 13]. یعنی: «روزی که

به سوی آتش جهنم به سختی گسیل داشته می‌شوند».

7- سخن از نعمت‌های متقیان است. آنان که می-گویند: ﴿قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ٢٦ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقْنَا

**عَذَابَ السَّمُومِ ٢٧﴾** [الطور: 26-27]. یعنی: «می‌گویند: ما پیش از

این در میان خانواده و فرزندانمان بیمناک بودیم. {26} پس الله بر ما منت نهاد و ما را از عذاب آتش حفظ کرد. {27}».

آیا تو اکنون در زندگی خویش با همین الگو زندگی می‌کنی؟ باشد که الله ﷻ تو را از عذاب سوزان محافظت نماید.

8- در این سوره پانزده علامت سؤال پی‌درپی وجود دارد که شخص را از حالی به حالی انتقال می‌دهد، و او را وادار به اندیشیدن در وضعیت کنونی و سرانجام کار می‌کند.. این‌ها پرسش‌هایی بود که جبیر بن مطعم رضی الله عنه را وارد اسلام نمود.

9- صبر و عبادت، دو موضوع مهم است که سوره‌ی طور با آن‌ها به انتها می‌رسد. آیا تو از این دو موضوع بهره و نصیبی داری؟

10- سوره‌ی نجم با تزکیه و پاکی رسول الله صلی الله علیه و آله و اثبات عصمتش، آغاز می‌گردد. و می‌گوید: قرآن وحیی است که توسط جبرئیل امین از جانب الله صلی الله علیه و آله آورده شده است. و اشاره به این دارد که اگر کسی هدایت را دنبال نکرد، حتماً از خواهشات نفس پیروی خواهد کرد.

11- ابطال معبودان مشرکین و ابطال سخنان آنان در مورد معبودان. و این‌که این سخنان وهم و خیال است و صحت ندارد.

12- برحذر داشتن از سخنان ظنی و خیالی در مورد معبودان.

13- پایان سوره، یادآوری عذاب امت‌های مشرک پیشین، به مشرکین زمان خویش است. آنان را از حادثه‌ای می‌ترساند که هر لحظه ممکن است گریبان‌گیر آنان شود.

14- سوره‌ی قمر با بیم دادن مشرکین به نزدیک شدن قیامت و سختی‌هایی که در آن زمان خواهند دید، شروع می‌شود.

15- یادآوری به مشرکین، نسبت به آنچه بر سر امت‌های گذشته آمده بود. و بیان این‌که آنان از کفار امت‌های گذشته بهتر نیستند.

16- در این سوره بارها یاد آوری شده است که قرآن برای هر کس که بخواهد آن را تلاوت و حفظ کن و یا بفهمد، آسان است. اما مشکلی که در این سؤال پنهان است اینکه آیا پندپذیری هست؟!

17- سوره‌ی الرحمن که در (اثر)، عروس قرآن معرفی شده است، نعمت‌ها را بر می‌شمرد. اولین نعمت را، نعمتِ تعلیم قرآن می‌خواند. تنها تلاوت قرآن ملاک نیست، بین چقدر از آن را آموخته‌ای؟

18- آخر این سوره در مورد توصیف بهشت و نعمت‌های موجود در آن است. پس موفق کسی است که برای سکونت در آن مکان، با جدّیت تمام تلاش نماید.

19- در ابتدای سوره‌ی واقعه، شاهدی‌آغازی هولناک هستیم. آیا هنگام تلاوت این سوره کمی درنگ کرده‌ای، تا این صحنه را در ذهنت مرور کنی؟

20- انسان‌ها در روز قیامت به تناسب اعمال‌شان به سه دسته تقسیم می‌شوند. و جزای آنان هم بر همین مبناست. مواظب باش از دسته‌ی هلاک‌شدگان نباشی.

21- ارائه‌ی برخی از ادله‌ی حسی و قابل رؤیت بر این‌که زنده شدن پس از مرگ، حق است و انکار آن نقص و عیب محسوب می‌شود.

22- این سوره با توصیف لحظات مرگ، و ذکر گروه‌های سه‌گانه که در ابتدا سخن از آنان به میان آمد، به پایان می‌رسد.

23- سوره‌ی حدید با توصیف عظمت، علم فراوان و کمال قدرت الله ﷻ شروع می‌شود.

24- ثمره و نتیجه‌ی توصیف الله ﷻ به عظمت و بزرگی، ایمان آوردن به او تعالی و انفاق کردن در راه اوست.

25- بیان و توصیف نور مؤمنان در عرصات قیامت و حسرت و افسوس منافقین در از دست دادن این نور.

26- در قبال پیام این آیه چه وظیفه‌ای داریم؟ ﴿وَإِلَّا لَمَّا يَأْتِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ﴾ [الحديد: 16]. یعنی: «آیا برای مؤمنان وقت آن فرا نرسیده است که دل‌های‌شان به (هنگام) یاد الله و (هنگام) به یاد آوردن آنچه از حق نازل شده است خشوع یابد؟».

27- بیان حقیقت دنیا و این که دنیا متاع و کالایی بیش نیست. به سبقت و پیشی گرفتن به سوی بهشت، مغفرت، الگوپذیری از پیامبران ﷺ که الله ﷻ در انتهای سوره نام آنان را می‌گیرد، دعوت می‌دهد.

28- صفت (نور) در این سوره دو بار یاد شده است. یک مرتبه در عرصات و صحنه‌ی قیامت؛ آنگاه که نصیب مؤمنان می‌شود. و یک مرتبه هم در آخر سوره. لذا کسی که در دنیا به نور ایمان نایل نشود، در صراط قیامت هم بدان نایل نخواهد شد.

## جزء بیست و هشتم

- 1- احکام (ظهار) و گوش دادن به مجادله‌ی یک خانم در جریان اجتماعی، در سوره‌ی مجادله بیان شده است. کجایند آنان که می‌گویند اسلام به زن ظلم کرده است؟
- 2- صحبتی مفصل پیرامون نجوا و سرگوشی کردن، تعلیم و تربیت مؤمنین در مورد ادب سکوت کردن و تکلم آنان.
- 3- در این سوره تمرکزی بسیار روشن و واضحی بر وسعت و گستردگی علم الله ﷻ و شمردن اعمال بندگان شده است. آیا تا کنون از تأثیر این مطلب بر قلب خویش سؤال کرده‌ای؟
- 4- رسوا کردن منافقین با بیان بعضی از روش‌ها و اسلوب حضور آنان در جلسات ذکر و یاد الهی؛ که چگونه جسم‌شان حضور دارد و دل‌های‌شان از جلسه غایب است. این مورد را با سه آیه‌ی آخر سوره‌ی توبه، کنار هم قرار بده و مقایسه کن!
- 5- بیان حکم دوستی متقابل با دشمنان الله ﷻ هر چند که از خویشاوندان و بستگان باشند.
- 6- در سوره‌ی حشر سخنی پیرامون جنگ با بنی نضیر، و نعمت‌های الله ﷻ بر پیامبر ﷺ و یارانش ﷺ در یاری آنان علیه یهودیان، بیان می‌شود.
- 7- بحث مفصل در مورد حکم مال فیء و غنیمت‌های مسلمین.
- 8- بیان فضیلت مهاجرین و انصار و تمجید از کسانی که در آینده خواهند آمد و مهاجرین و انصار را دوست

می‌دارند و قلب‌شان از کینه و عداوت بر صحابه رضی الله عنهم سالم مانده است. پس هلاکت و زیان باد بر آنان که به صحابه رضی الله عنهم طعن وارد کرده و ناسزا می‌گویند.

9- رسوا کردن منافقینی که با یهودیان هم‌دست شدند. و این که الله عز وجله چگونه آنان را برادران یهود خوانده است!

10- بیان عظمت و بزرگی قرآن کریم که حتی اگر بر کوه هم نازل می‌شد، از ترس الله متعال متلاشی می‌گشت.

11- این سوره با ذکر نام‌های متوالی و پی‌درپی الله عز وجله پایان می‌یابد؛ که تهدیدی عمیق و تودار برای یهود و مشرکین و منافقینی که آنان را همراهی کردند، و آرامش خاطری برای مؤمنان است.

12- در سوره‌ی ممتحنه مطالب بسیار مهمی پیرامون برخی از احکام ولاء و براء وجود دارد.

13- از بزرگی دین اسلام این است که میان کفّاری که با اسلام می‌جنگند و آنان که نمی‌جنگند، فرق می‌گذارد.

14- سخنی پیرامون هجرت زنان، کیفیت بیعت آن‌ها و احکامی که متعلق به این جریان است، مطرح می‌شود.

15- در سوره‌ی (صف) از گفتار بدون عمل باز می‌دارد و به جهاد تشویق می‌نماید.

16- داستان موسی و عیسی علیهما السلام - والله اعلم - تذکری است بر این که این دو پیامبر، پیروان زیادی داشتند که دست از یاری آن دو بزرگوار کشیدند. پس جز عده‌ی اندکی که الله عز وجله خواست، کسی به بیعت خویش وفا

نکرد. لذا در این سوره پیامی است به پیروان رسول الله ﷺ که مبادا پیامبرشان را تنها گذارند. بلکه باید او را یاری کنند و از کسانی نباشند که سخنانی می‌گویند که بدان عمل نمی‌کنند.

17- تذکر و یادآوری به حقیقت تجارت سودمند.. و آن، تجارت با الله ﷻ است.

18- در سوره‌ی جمعه اشاره‌ای است به جلال و عظمت الله ﷻ، و نکوهش یهودیان؛ چرا که آنان به علم-شان عمل نکردند.

19- هر کس که از مرگ بگریزد حتماً با آن روبرو خواهد شد.. پس باید که برایش آمادگی نمود.

20- در این سوره به مؤمنان هشدار داده می‌شود که مبادا تجارت و دیگر کالای دنیا آنان را از بزرگترین فریضه-ی عملی الله ﷻ که نماز جمعه است، غافل گرداند.

21- در سوره‌ی منافقین الله ﷻ تقریباً پانزده خصلت از خصلت‌های منافقین را ذکر می‌کند که شایسته است از آن‌ها و از وسایلی که به این خصلت‌ها منتهی می‌شود، پرهیز نماییم.

22- پند و نصیحتی جدی در هشدار از سوار شدن بر مرکب زیان و تباهی. آن‌هم با سرگرم شدن به مال و فرزند به جای ذکر و یاد الله ﷻ.

23- سوره‌ی تغابن، قدرت، علم و دانش الله ﷻ، و ترسیدن از روز قیامت را بیان می‌دارد.



- 24- آیا در مفهوم کلمه‌ی (تغابن) اندیشیده‌ای؟ تغابن روزی است که در آن زیان و خسارتِ بزرگ اتفاق می‌افتد. برحذر باشیم از این‌که در لیست زیانکاران قرار گیریم.
- 25- در سوره‌ی تغابن، قاعده‌ای از قواعد ایمان به تقدیر آمده است. ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ﴾ [التغابن: 11]. یعنی: «هیچ مصیبتی جز به حکم الله نمی‌رسد و هرکس به الله ایمان بیاورد، دل او را هدایت می‌کند».
- 26- هشدار در مورد آزمایش و امتحان همسران و فرزندان. و دستور به انفاق و خرج کردن و تشویق به تقوا و پرهیزگاری در این زمینه.
- 27- در سوره‌ی طلاق، بخش پایانی احکام طلاق و ارتباط آن با تقوی و احسان و نیکی که قسمتی از آن در سوره‌ی بقره و نساء ذکر شده بود، می‌آید. در ادامه به ذکر امت‌هایی که از دستور الله ﷻ سرتابیدند، می‌پردازد.
- 28- این سوره تأکید فراوانی بر حفظ تقوی در هنگام طلاق و اثر آن بر حفظ حقوق، دارد. از هر دو طرف می‌خواهد در بحث طلاق و حقوق مربوطه، بنا بر حالات روحی که زوجین گرفتار آن می‌شوند، از تفریط و کم‌کاری یا کوتاهی کردن پرهیزند.
- 29- اثر تقوی و برکت آن، در قالب راحتی و گشایش الله ﷻ بر خانم باردار و انفاق کننده یا مرد خانه، و برون رفت از تنگناها، نمودار می‌گردد. این حالت بر هر رنج‌دیده و اندوهگینی آشکار خواهد شد.
- 30- سوره‌ی تحریم، حرام نمودن حلال را به نیت خوشحالی و رضایت افراد، انکار می‌کند. به زنان می‌

آموزد که بر همسران خویش سخت نگیرند و زندگی را تنگ و تلخ نکنند.

31- در این سوره به رویکردی که سزاوار زندگی زناشویی است، تذکر داده می‌شود: ﴿عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ﴾ [التحریم: 3]. یعنی: «بخشی از آن را اظهار کرد و از بخشی (دیگر) اعراض نمود».

32- بزرگترین خدمتی که پدر برای اهل بیتش تقدیم می‌دارد، تربیت و محافظت خانواده از هر عاملی است که آنان را وارد آتش جهنم می‌کند.

33- وقتی در پایان سوره دو مثال ذکر می‌شود، این دو مثال یعنی درس عبرت. و نیز برای پرهیز از همسان شدن به مانند آن دو زن کافر، و اقتدا به آن دو زن مؤمن می‌باشد. و واقعاً چه احترام و بزرگداشت زیبایی است وقتی مردان امر می‌شوند که به آن دو زن صالح اقتدا کنند و آنان را الگو و مدل خویش قرار دهند.

## جزء بیست و نهم

1- سوره‌ی مُلک بعضی از آثار مُلک و پادشاهی بزرگ الله ﷻ را آشکار می‌کند. پس خوب در آن تأمل و اندیشه کن تا هیبت و اجلال الله ﷻ آن پادشاه بزرگ، نصیبت گردد.

2- سوره‌ی مُلک تهدید مشرکین را در پی دارد. زیرا چگونه می‌شود که بنده به پروردگاری که دارای صفات ذکر شده در این سوره است و این، بخشی از عظمت او تعالی است، شرک بورزد؟

3- در سوره‌ی قلم، بحثی گسترده از اخلاق، و ثنا و تمجیدِ رسول الله ﷺ به خاطر اخلاق بزرگش مطرح می‌شود. همچنین نمونه‌ای از اخلاق زشتِ یکی از سران کفر را بیان می‌دارد.

4- در داستان بهشتیان، دلیلی بر ضرر و ناکام ماندن انسان‌های بخیل است.

5- سوره‌ی حاقّه توصیفی مؤثر از سرانجام امت‌هایی است که پیامبران را تکذیب کردند. آیا عبرت‌گیرنده‌ای هست؟

6- در همین سوره وصفی بسیار هولناک از صحنه‌ی قیامت و بیان بخشی از ویژگی عرش آفریدگار بزرگ است. سپس به صورت مفصّل، صحنه‌ی تحویلِ پرونده‌های اعمال بیان می‌شود.

7- سوره با تأکید بر این‌که آنچه رسول الله ﷺ آورده حق است، پایان می‌یابد. و می‌گوید: توصیف قرآن به شعر و جادو، تناقضی است که سزاوار انسانی عاقل نیست.

8- در سوره‌ی معارج معرفی برخی از وقایع هولناک قیامت است؛ اندیشمندان کجایند؟

9- در همین سوره بعضی از ویژگی‌های بهشتیان یاد می‌شود. با نماز شروع می‌شود و با نماز هم پایان می‌یابد. پس خوب بیندیش؟

10- در سوره‌ی نوح، دعوتِ نوح ﷺ و اجتهاد و تلاش وی در بکارگیری روش‌های متنوع دعوت، با توجه به عناد و دشمنی شدید قومش، توصیف می‌شود.

- 11- سخن در مورد ثمرات و بازتاب استغفار و عنایت و توجه به دعا برای والدین.
- 12- در سوره‌ی جن، از داستان مسلمان شدن جن‌ها صحبت می‌شود. بیان می‌کند که بعضی از آنان مسلمان، و دسته‌ای دیگر کافرند.
- 13- این سوره تهدید مشرکین و ابطال پیشگویی و ادعای علم غیب را، در بر دارد.
- 14- در سوره‌ی مزمل، اشاره‌ای بسیار روشن بر این است که عبادت، خصوصاً قیام اللیل به همراه صبر و شکیبایی، قویترین یاور بر تحمل سختی‌های دعوت به سوی الله ﷻ است.
- 15- سوره‌ی مدثر، شامل تشویق بر دعوت به سوی الله ﷻ، ذکر نمونه‌ای از دشمنان دعوت، سپس بیان عاقبت این دشمنان است.
- 16- سوره‌ی قیامت، وصفی است از قیامت و اتفاقات قبل و بعد از آن. برای آن چه مهیا کرده‌ای؟
- 17- کلمه‌ی (انسان) شش بار در سوره‌ی قیامت ذکر شده است. آیا فکر کرده‌ای این کار بر چه چیز دلالت داشته و چه مفهومی را در بر دارد.
- 18- سوره‌ی (انسان) به صورت خلاصه عذابی را که کفار خواهند دید، توصیف می‌کند. حال آن‌که نعمت‌هایی که انتظار مؤمنان را می‌کشد، کاملاً شرح و بسط می‌دهد.
- 19- سوره‌ی مرسلات با ادله‌ی فراوانی از اثبات زنده شدن پس از مرگ و سزا و جزا، سخن می‌گوید. از همین رو تهدید تکذیب‌کنندگان این جریان، بارها تکرار شده

است: ﴿وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ یعنی: «پس آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان».

## جزء سی

1- معرفی اتفاقات قیامت در بسیاری از سوره‌های این جزء. مثلاً به سوره‌ی نبأ، اواخر نازعات، عبس و دو سوره‌ی تکویر و انفطار نگاه کن.

2- در تعدادی از سوره‌های این جزء، بسیار از اخلاق نیک و بد سخن به میان می‌آید؛ مانند سوره‌ی مطففین، فجر، بلد، لیل، ضحی و ماعون. پس خوب به آن بیندیش.

3- این جزء سخنانی بسیار آشکار در مورد قرآن دارد. و با اسلوبی متنوع، حق و درست بودن آن را اثبات می‌کند. مثلاً پایان سوره‌های تکویر، انشقاق و طارق را دقت کن.

4- در این جزء ملاحظه می‌کنیم که به مخلوقات فراوانی همانند خورشید، ماه، شب، روز و هنگام چاشت، زیاد سوگند خورده می‌شود. و طولانی‌ترین قسَم قرآن که یازده مورد است و در سوره‌ی شمس صورت گرفته است، در این جزء یاد شده است. آن هم در مورد جریان‌ی که اساس رستگاری یا زیانکاری است: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۙ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۙ﴾ [الشمس: 9-10]. یعنی: «کسی که آن را پاک داشت، رستگار شد {9} و کسی که آن را فرومایه داشت، زیانکار شد {10}».

5- در این جزء داستان تعدادی از امت‌های پیشین ذکر شده است. البته این مورد در جزء‌های گذشته از نظر خوانندگان محترم گذشت؛ به جز داستان اصحاب اُخدود و

فیل!.

6- فراخواندن به تفکر و تدبیر در زندگی و سرانجام مخلوقات، ما را به عمل فراوان و دنباله‌روی از حق، رهنمود می‌کند.

7- اولین سوره از نظر نزول که (علق) است و با خواندن و قراءت آغاز می‌گردد، در این جزء قرار دارد. و محترم‌ترین کتابی که خوانده شده است، کتاب الله ﷻ می‌باشد. و فهم و عمل به آن، از بزرگترین ادله بر بزرگداشت بنده توسط الله ﷻ است.

8- سوره‌ی تکاثر درد و بیماری بزرگی را که دنیا و آخرت بسیاری از مردم را تباه کرده است، متذکر می‌شود؛ یعنی زیاده‌خواهی در دنیا؛ با فرزندان، اموال و غیره. پس باید که مواظب باشیم.

9- پایان این جزء با سه سوره‌ای است که مشروع است انسان مومن قراءت هنگام خواب آن‌ها را بخواند؛ چرا که در این سوره‌ها ارتباط زیادی با الله ﷻ و دوری از قدرت و نیروی انسانی است.

10- و چون سوره‌ی فلق و ناس نازل شد، پیامبر ﷺ آن دو را به عنوان رُقیه (دَم کردن) انتخاب کرد و غیر آن دو را رها نمود. زیرا در این دو سوره پناه جستن از هر شرّ عام و خاص و ثنا و گرامی‌داشتِ الله ﷻ به صفاتِ مُلک و آفریدن، وجود دارد. تا ارتباط و دلبستگی بنده را به جای دیگر مخلوقات با آفریدگارش، قدرت بخشد.  
و الله تعالی أعلم، و صلی الله و سلم علی نبینا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.

پایان ترجمه

---

24 / رمضان / 1437 هـ

ابو خالد عبدالله محمدی